

مردم ایران - ۳۰۱

اسلام را قبول کردند در حالیکه عملاً اصول مذهب یهودی را پیروی میکنند . از جمله روز شنبه را تعطیل میکنند و ششم اکتبر را روز سال نو محسوب میدارند و شب جمعه در خانه خود چراغ روشن میکنند و عید فطر را رعایت مینمایند . در ظاهر و در پیش مردم خود را مسلمان جلوه میدهند . يك چهارم تجار و بازرگانان یهودی هستند و در کار تجارت موفقیت قابل ملاحظه دارند . عده زردشتی‌ها بسیار کم است . در مشهد عده قبلی هستند که بدین مسیح درآمدند .

سمنان و دامغان

این ایالت که قسمتی از آن دشت کویر است طبعاً دارای شهر زیاد نیست . ابتهاج (صفحه ۲۸۶ و ۲۸۸ و ۲۹۷) شهرهای زیر را ذکر میکند : سمنان به ارتفاع ۴۳۷۳ پا که جمعیت آن ۲۳۳۸۸ نفر است . دامغان (تپه حصار) با ارتفاع ۴۲۶۵ پا که جمعیت آن در حدود ۱۰,۰۰۰ نفر است . شاهرود با ارتفاع ۴۸۳۲ پا که جمعیت آن ۱۴ هزار نفر است . اقده با ارتفاع ۴۲۵۲ پا و نائین با ارتفاع ۴۰۲۲ پا که جمعیت آن در حدود ۵ هزار نفر است . فصل مربوط به خصوصیات طبیعی ایران و توزیع جمعیت در اینجا پایان می پذیرد . مطالب مربوطه از منابع مختلف از سال ۱۹۲۰ ببعده اقتباس شده است .

تقسیمات جدید ایران

در اواخر سال ۱۹۳۸ شاهنشاه ایران تغییرات عمده‌ای در تقسیم بندی ایران داد . برای اینکه مطالب این کتاب شامل آخرین اطلاعات باشد نویسنده از آقای دکتر محمد حسن گنجی تقاضا کرد که اطلاعات لازم را برای نویسنده بفرستد . آقای گنجی اخیراً از دانشگاه منچستر که زیر نظر پرفسور فلور در رشته جغرافیا کار میکرد به طهران مراجعت نمود . در نامه مورخ ۵ نوامبر ۱۹۳۸ آقای گنجی ترجمه آزاد قانون تقسیمات ایران را فرستاد . در حال حاضر با سانی

۱- از آقای دکتر گنجی متشکرم که اجازه دادند متن رساله تحت عنوان تغییرات جدید اقتصادی در ایران را که برای اخذ درجه لیسانس خود نوشته بودند مطالعه کنم .

نمی‌توان نقشه تقسیم بندی جدید را تهیه کرد زیرا جزئیات حدود استانها تعیین نشده و خود طرح تحت مطالعه و تجدید نظر است. نقشه ایران بر اساس تقسیم بندی جدید در اواخر سال ۱۹۳۹ چاپ خواهد شد .

در مورد نام اماکن جغرافیائی تمایل براینست که اسامی عربی و ترکی بفارسی خالص تبدیل گردد و نام عده زیادی از شهرها تغییر داده شده است . آقای گنجی تغییرات عمده زیر را گزارش داده است .

تقسیم بندی داخلی ایران

در سال ۱۹۳۲ قانونی در مجلس شورای ملی درباره تقسیمات اداری ایران بتصویب رسید . هدف این قانون اینست که کشور ایران از نظر اداری بطریقی تقسیم شود که از نظر طبیعی و اقتصادی و خصوصیات جغرافیائی مناسبتر باشد .

ماده اول قانون مزبور میگوید : کشور ایران طبق نقشه و طرحهای ضمیمه بده استان که هر کدام شامل چندین شهرستان و هر شهرستان منقسم به چند بخش و هر بخش منقسم به چند دهستان و هر دهستان متشکل از چند ده و قصبه است تقسیم میشود .

ماده دوم ، حدود استانها را بطریق زیر تعیین مینماید .

استان ۱ ، شامل شهرستانهای زنجان و قزوین و ساوه و سلطان آباد (اراک) و رشت و شهبوار .

استان ۲ ، شامل شهرستانهای قم و کاشان و طهران و سمنان و ساری و گرگان .

استان ۳ ، شامل شهرستانهای تبریز و اردبیل .

استان ۴ ، شامل شهرستانهای خوی و رضائیه و مهاباد و مراغه و بیجار .

استان ۵ ، شامل شهرستانهای ایلام و شاه آباد و کرمانشاهان و سنندج و ملایر و همدان .

استان ۶ ، شامل شهرستانهای خرم آباد و گلپایگان و اهواز و خرمشهر .

استان ۷ ، شامل شهرستانهای بهبهان و شیراز و بوشهر و فسا و آباد

و لار .

مردم ایران - ۳۰۳

استان ۸ ، شامل شهرستانهای کرمان و بم و بندر عباس و خاش و زابل .
 استان ۹ ، شامل شهرستانهای بیرجند و تربت حیدری و مشهد و قوچان
 و بجنورد و گناباد و سبزوار .

استان ۱۰ ، شامل شهرستانهای اصفهان و یزد .

کلمه استان بزبان فارسی بمعنی ایالت است و باستان و استان بمعنی سرزمین يك قوم مانند عربستان و کردستان و افغانستان و بلوچستان فرق دارد .
 شهر نام مرکز ناحیه و شهرستان ناحیه‌ای است که شهر مرکز آن است .
 باید بخاطر داشت که این تقسیم بندی تقریباً مطابقت دارد با تقسیم بندی فرانسه که مرکب است از استان Province شهرستان dipartment و بخش Canton .
 استانها معمولاً بوسیله شماره خوانده میشوند و نه بنام . اسامی جدید بعضی از شهر های ایران از این قرار است اقتباس از نوشته گنجی .

نام قدیم	نام جدید	نام قدیم	نام جدید
طیس	گلشن	میانج	میانج
طون	فردوس	قرلاوزن	سفیدرود
خبیس	شهداد	فلاحیه	شادگان
محمره	خرمشهر	استرآباد	گرگان
بارفروش	بابل	ده نو	نوشهر
علی آباد	شاهی	گمش تپه	گوپیشان
اشرف	بهشهر	بندر جز	بندر گز
سلطان آباد	اراک	گنبد قا بوس	گنبد کاوس
آجی چای	تلخه رود	ارومیه	رضائیه
صائن قلعه	شاهین دژ	بلوچستان	مکران
ساوجبلاغ	مهاباد	خور موسی	بندر شاهپور
قرجه داغ	ارسباران		

۱- برای تغییرات سابق مراجعه شود به نشریه انجمن پادشاهی جغرافیائی

۵. مردم شناسی جسمانی ایران

در فصول گذشته مطالبی که مورد بحث قرار گرفت عبارت بود از جغرافیای جغرافیای مردم شناسی و اشارات تاریخی در مورد خصوصیات جسمانی و طبیعی ساکنین ایران در طی بیست قرن گذشته و پخش جمعیت ایران در عصر حاضر . وظیفه بعدی بررسی مطالب تن پیمائی یا اندازه گیری خصوصیات جسمانی است که در سال ۱۹۳۴ بوسیلهٔ عکسبرداری و تجزیهٔ آماری برای تعیین و تعریف عناصر نژادی در جمعیت فعلی ایران بدست آمده است . در این فصل حقایق مسلم جای حدس و گمان را میگیرد . قبل از آنکه به بحث دربارهٔ آمار تن پیمائی و اندازه گیری و مشاهدات علمی پردازیم باید مطالب مربوط به استخوان بندی را که در نتیجه حفاریات و اکتشافات بدست آمده مورد بررسی قرار دهیم .

مطالب مربوط با استخوان بندی

کوشش دربارهٔ تشخیص صفات نژادی جداگانه در بین مردم ایران عصر حاضر با سانی به نتیجه نمیرسد مگر آنکه شواهد و مدارک قدیمترین اصل و نسب اجدادی در دست باشد . بطور کلی متأسفانه از ساکنین قدیم فلات ایران بقایای استخوان بندی زیادی بدست نیامده است . علمای علم مردم شناسی که این قسمت دنیا را مورد مطالعه قرار می دهند مدیون کسانی هستند که اطلاعاتی در این زمینه عرضه داشته اند . بهمین جهت با محقق شناسی بسیار محصول مطالعات ذیقیمت دانشمندان زیر را اینجا نقل می کنیم . کروگمن (Krogman) ، اشمیت (Schmidt) ، لیزلتر (Lebzelter) ، آرن (Arne) ، و آلوا (Vallois) ، ولسین (Wulsin) ، نیومن (Newman) ، لاکارد (Lockard) ، گول (Gaul) . همچنین بمطالب و اکتشافات قدیمی تر توسط دانیلوف (Danilov) و دیگران که در فصل دوم مورد مطالعه قرار گرفت اشاره خواهد شد .

در این قسمت مطالب مربوط با استخوان بندی که اخیراً در تپهٔ حصار و شاه تپه و لرستان و ترنگ تپه وری بدست آمده بررسی خواهد شد . مطالبی مبنی بر مقایسه و تطبیق با اکتشافات چنهو دارو Chanhu-Daro نیز نقل شده است زیرا

احتمال ارتباط و نسبت بین تمدن ایران و دره سند در هزاره سوم قبل از میلاد موجود است .

دکتر ویلتون کروگمن عضو قسمت مردم‌شناسی دانشگاه شیکاگو گزارشی مربوط به مطالب استخوان بندی محلی ماقبل تاریخی تپه حصار نزدیک دامغان برای چاپ آماده کرده است . این بقایای استخوان بندی بوسیله هیئتی از دانشگاه پنسیلوانیا و موزه هنر فیلادلفی تحت هدایت دکتر اریک اشمیت بدست آمده است . دکتر دروالاکارد که اکنون در موزه هاروارد کار می‌کند سمت مردم‌شناسی جسمانی هیئت را به عهده داشت .

استخوان بندی در تپه حصار

دکتر کروگمن لطفاً بنویسنده اجازه دادند نسخه کتاب خود را که قرار است در سال ۱۹۴۰ بچاپ برسد مطالعه کنم . مطالب مختصر زیر بخصوص از فصل نتایج با اجازه و تصویب آقای هوراس جین رئیس موزه دانشگاه فیلادلفی نقل شده است .

تعداد افراد بالغ با تاریخ ترتیبی از قرار زیر است :

سطح	تاریخ	جمعیت	آرواره
حصار I	قبل از سه هزار تا تقریباً ۲۵۰۰ ق.م	۴	۴
حصار II	از ۲۵۰۰ تا ۲۰۰۰ ق.م	۱۶	۱۳
حصار III	از ۲۰۰۰ تا ۱۵۰۰ ق.م	۱۳۸	۹۳
پارتی ، ساسانی ، اسلامی	۰ تا ۳۵۰	۵	۵
نامعلوم	نامعلوم	۳	۲

طبقه حصار I دو نوع سر دراز عرضه میدارد . یکی نوع کوچک باریک مدیترانه و دیگری نوع بزرگ و خوشنوردیک اولیه .

از حصار II هفت نوع مدیترانه مرد و هفت زن و دو نوع نوردیک اولیه مرد پیدا شد . این نوع اخیر ممکن است از خارج آمده و بانوع بومی مدیترانه مخلوط شده باشد .

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۳۰۷

از حصار III انواع اضافی دیگر پیدا شد که در جدول زیر با ذکر تعداد نژاد و جنس نشان داده میشود .

نژاد	مرد	زن
مدیترانه	۵۱	۳۲
نوردیک اولیه	۳۹	۱
وابسته به آلپ	۳	۰
آسیائی (باخانه آلپ ؟)	۱	۰
سیاه پوست	۱۱	۰

در جدول فوق کروگمن آسیائی را به نوع صورت پهن سر کوتاه که در مشرق مغولستان هستند اطلاق میکند .

نکته بسیار مهم دیگر اینست که شش جمجمه بعنوان استرالیائی نامطبقه بندی شده است . در حالیکه از لحاظ تناسب جمجمه شبیه به نوردیک های اولیه میباشند. صورت آنها پهن تر و کاسه چشم پائین تر و سوراخ بینی عریضتر است . نوع سیاه پوست در آنها وجود دارد و احتمال قوی میرود که از برده ها بوده باشند. طبقه سر کوتاه ها که همیشه در اقلیت هستند از این سطح و یا از دوره اسلامی است . کروگمن نوعهای آلپی و ارمنی و آسیائی یا مغولی را تشخیص داده است . از آنجائیکه در تعریف خصوصیات جمجمه و قیافه انواع مختلف اختلاف نظر وجود دارد لازم بنظر میرسد که نظر کروگمن را درباره این نکات نقل کنیم . ما اگر بخواهیم بطور خلاصه نوع کلی مدیترانه اولیه را تعریف کنیم بدین طریق می شود: سر دراز - جمجمه صاف - ارتفاع قبه سر متوسط - صورت باریک - حدقه چشم با اندازه متوسط - سوراخ بینی به عرض متوسط . در مقام مقایسه جمجمه از چنهودارو (همین فصل بسمت جمجمه از چنهودارو، هندوستان مراجعه کنید) دارای سر دراز صورت عریض و کاسه چشم پست و سوراخ بینی عریض است .

خصوصیات جمجمه

اروپائی جنوبی (مدیترانه)	اروپائی شمالی (نوردیک)
سردراز	شکل نیمه سردراز تا سرد متوسط
منحنی پیکانی کامل - ارتفاع متوسط	محیط صاف در طرفین - منحنی پیکانی
باریک - صاف و مدور	قوس بلند
محدب - عرض متوسط تا باریک	پیشانی عرض متوسط - قوسی
برآمدگی عضله کم	پشت سر پرولی نامشخص - عرض متوسط
متوسط	برآمدگی عضله سنگین
	ظرفیت بزرگ

خصوصیات صورت

اروپائی جنوبی (مدیترانه)	اروپائی شمالی (نوردیک)
عرض و ارتفاع متوسط - بیضی شکل	محیط باریک - دراز - نوک تیز
باریک - قوسی	گونه باریک - فشرده
بررگ - صاف - زاویه دار	کاسه چشم متوسط - صاف - مدور
باریک تا متوسط	بینی باریک تا متوسط
کم	برآمدگی بالای کاسه چشم مشخص
کوحک - زاویه گوشه فك صاف	آرواره بزرگ - زاویه گوشه فك برگشته
چانه متوسط - برآمدگی روپبالا	یا صاف - چانه برجسته - برآمدگی
عریض - ناقی کم عمق	روپبالا متوسط عمق ناقی متوسط

مردم شناسی جسمانی ایران - ۳۰۹

شخص	تناسیبر	عرض	طول	شماره	نوع	محل و طبقه
	۶۶/۱۶	۱۳۱/۰۰	۱۹۱/۰۰	۱	مرد	حصار اول
	۷۴/۸۵	۱۳۱	۱۷۵	۱	زن	حصار اول
	۶۹/۲۶	۱۳۰/۵۷	۱۸۹/۱۴	۷	مرد مدیترانه	حصار دوم
	۷۴/۱۰	۱۳۲/۱۴	۱۷۸/۲۹	۷	زن مدیترانه	حصار دوم
	۷۳/۱۴	۱۳۷	۱۸۷/۵۰	۲	مرد نوردیک اصلی	حصار دوم
	۷۱/۶۵	۱۳۳/۱۲	۱۸۶/۲۵	۵۱	مرد مدیترانه	حصار سوم
	۷۲/۹۷	۱۳۱/۵۸	۱۸۰/۳۳	۳۲	زن مدیترانه	حصار سوم
	۷۰/۸۵	۱۳۵/۹۵	۱۹۱/۶۷	۳۹	مرد نوردیک اصلی	حصار سوم
	۷۹/۴۳	۱۳۹/۰۰	۱۷۵/۰۰	۱	زن نوردیک اصلی	حصار سوم
	۷۰/۸۰	۱۳۵/۸۳	۱۹۲/۰۰	۶	مرد استرالیائی نما	حصار سوم
					زن و مرد مدیترانه و	حصار سوم
	۷۱/۷۵	۱۳۳/۶۰	۱۸۶/۳۸	۱۲۴	مرد نوردیک اصلی	حصار سوم
	۶۹/۶۶	۱۳۱/۴۵	۱۸۸/۶۴	۱۱	مرد سیاهپوست	حصار سوم
						حصار سوم
						دوره اسلامی ... سر کوتاه
	۷۶/۷۷	۱۳۶/۲۰	۱۷۷/۴۰		مرد آلبی	
	۸۸/۳۴	۱۴۴/۰۰	۱۶۳/۰۰		زن نوع ارمنی	
	۷۵/۶۸	۱۴۰/۰۰	۱۸۵/۰۰		مرد مغولی	
	۸۰/۴۵	۱۳۷/۵۰	۱۷۱/۰۰		زن مغولی	
	۷۲/۰۶	۱۳۳/۵۸	۱۸۵/۶۴	۱۶۱		کلیه کلانسالان

انواع جمجمه نوع مدیترانه

محل و طبقه	نوع	شماره	طول	عرض	شاخص آنا سبسر
حصار اول	زن	۱	۱۷۵/۰۰	۱۳۱/۰۰	۷۴/۸۵
حصار دوم	مرد	۷	۱۸۹/۱۴	۱۳۰/۵۷	۶۹/۲۶
حصار دوم	زن	۷	۱۷۸/۲۹	۱۳۲/۱۴	۷۴/۱۰
حصار سوم	مرد	۵۱	۱۸۶/۲۵	۱۳۳/۱۲	۷۱/۶۵
حصار سوم	زن	۳۲	۱۸۰/۳۳	۱۳۱/۵۸	۷۲/۹۷
مهنجودارو	مرد	۲	۱۷۸/۵۰	۱۲۸/۰۰	۷۱/۷۱
مهنجودارو	زن	۴	۱۸۰/۱۷	۱۱۸/۳۳	۶۳/۴۵
نال	مرد	۱	۱۸۸/۵۰	۱۳۲/۰۰	۷۰/۰۲
سیالکوت	زن	۱	۷۱/۱۰
بیانا	مرد؟	۱	۷۱/۳۰
العبید	مرد	۸	۱۹۲/۸۰	۱۴۰/۱۰	۷۲/۶۰
کیش A	مرد	۲	۱۸۶/۵۰	۱۳۱/۰۰	۷۰/۲۳
کیش A	زن	۱	۱۷۶/۰۰	۱۲۴/۰۰	۷۰/۴۵
اور	مرد	۳	۱۹۳/۶۷	۱۳۵/۰۰	۶۹/۸۰
اور	زن	۴	۱۸۴/۷۵	۱۳۱/۵۰	۷۱/۲۵
آناو	زن	۱	۱۸۵/۰۰	۱۴۱/۰۰	۷۶/۲۰
الیشر (عصر)					
حجروبرنج	زن	۱	۱۷۵/۰۰	۱۳۰/۰۰	۷۲/۶۰
الیشر (عصر مس)	مرد	۷	۱۸۲/۱۰	۱۳۵/۰۰	۷۳/۴۰
الیشر (عصر مس)	زن	۱	۱۷۷/۰۰	۱۳۷/۰۰	۷۷/۴۰
حصارک سوم	مرد	۲	۱۹۲/۰۰	۱۳۶/۷۵	۷۱/۲۰
حنائی تپه ب	زن	۱	۱۷۹/۰۰	۱۲۸/۰۰	۷۱/۵۰
نوع مدیترانه (دیکسون)	۱۹۰/۰۰	۱۳۵/۰۰	۷۱/۱۰

مردم شناسی جسمانی ایران- ۳۱۱

نوع جمجمه نوردیک اصلی

۶۶/۱۶	۱۳۱/۰۰	۱۹۸/۰۰	۱	مرد	حصار اول
۷۳/۱۴	۱۳۷/۰۰	۱۸۷/۵۰	۲	مرد	حصار دوم
۷۰/۸۵	۱۳۵/۹۵	۱۹۱/۶۷	۳۹	مرد	حصار سوم
۷۹/۴۲	۱۳۹/۰۰	۱۷۵/۰۰	۱	زن	حصار سوم
۶۶/۰۲	۱۳۰/۰۰	۱۹۷/۰۰	۳۳	مرد	مهنجودارو
۷۲/۶۰	۵	مرد	العبید
۷۰/۰۰	۱۳۷/۰۰	۱۹۶/۰۰	۱	مرد	کیش الف
۷۰/۹۰	۱۳۶/۰۰	۱۹۲/۰۰	۱	مرد	الیشر (عصر مس)
۶۶/۰۰	۱۳۲/۰۰	۲۰۰/۰۰	۱	مرد	کعبه کاپل
۷۴/۲۳	۱۴۴/۰۰	۱۹۴/۰۰	۱	مرد	اوبر کاسل
۷۲/۶۰	۱۳۳/۰۰	۱۸۳/۰۰	۰۰		خزر (دیکسون) ۰۰

نوع شبیه استرالیائی

۷۰/۸۰	۱۳۵/۸۳	۱۹۲/۰۰	۶	مرد	حصار سوم (شبه استرالیائی)
۶۶/۰۲	۱۳۰/۰۰	۱۹۷/۰۰	۳	مرد	مهنجودارو
۷۰/۸۰	۱۳۲/۲۰	۱۸۷/۸۰	۱	مرد	ادیتانالور الف
۶۷/۸۰	۱۲۴/۰۰	۱۸۳/۰۰	۱	مرد	ادیتانالور الف
۶۹/۵۰	۱۳۲/۰۰	۱۹۰/۰۰	۰۰	۰۰	شبه استرالیائی اولیه (دیکسون) ۰۰

نوع آلبی

۷۵/۳۲	۱۳۳/۶۷	۱۷۷/۰۰	۳	مرد	حصار سوم
۷۶/۱۶	۱۳۱/۰۰	۱۷۲/۰۰	۱	مرد	مهنجودارو
۷۹/۱۰	۱۴۲/۵۰	۱۸۰/۵۰	۲	مرد	الیشر (عصر مفرغ قدیم)
۷۹/۲۰	۱۴۴/۶۰	۱۸۲/۹۰	۸	مرد	الیشر (امپراطوری هیتی)
۸۰/۷۰	۱۴۱/۰۰	۱۷۴/۳۰	۳	زن	الیشر (امپراطوری هیتی)

کروگمن مینویسد که جمعیت تپه حصار سردراز و ازدو نوع مختلف بودند يك نوع جمجمه بزرگ و خشن و حجیم و نوع دیگر جمجمه کوچک و صاف و باریک داشتند. این نوع را به ترتیب نوردیک اولیه و مدیترانه نام گذارده اند. اگر از لحاظ تعداد ملاحظه شود نوع مدیترانه اصلی و قدیمی تر بوده و نوردیک اخیر تر و تازه تر است. ولی باید بخاطر داشت که در نمونه های بسیار کم حصار اول هر دو نوع وجود دارند. ممکن است که این دو نوع همصبر بوده باشند ولی تا حصار سوم نوع مدیترانه در اکثریت بوده است.

«استعمال اصطلاحات مدیترانه و نوردیک تا حدی باعث وجود و پخش این دو نوع عمده یعنی سفیدپوستان سردراز در اروپا است که عبارتند از اروپائیان شمالی و اروپائیان جنوبی که اولی را نوردیک یعنی شمالی و دومی را مدیترانه می خوانند و نماینده تقسیم بدو دسته امروزه هستند که انواع تباین جمجمه های تپه حصار این اختلاف را تأیید میکند.

«احتمال کلی می رود که نوردیک های تپه حصار نماینده حرکت نوع مردی عصر حجر شمال بسمت جنوب و جنوب غربی باشد که نوع اروپائی شمالی نیز از آن بوجود آمده است. از نظر زنان سردراز آن تپه حصار نزدیکتر به ریشه نژادی اصلی هستند. بنابراین آنها اصولاً از حیث جسمانی و همچنین از نظر ارتباط زبانی از مردان شمالی اولیه میباشند.

«بنظر اینجانب ارتباط جسمانی شکل نوع مردم شمالی اولیه را در اماکن معاصر تحت اسامی مختلف بیان میکند از آنجائیکه اکنون عقیده کلی بر این است که نوع مردم جلگه روسیه نماینده اوج مردمان عصر حجر در مرحله تکامل برخی انواع عصر حجر صیقلی میباشند که عبارت باشند از کمبه کاپل Combe Capelle کاملاً احتمال دارد و ممکن است که مردمان اولیه که از یک ریشه سرچشمه گرفته اند خصائص نژادی اجدادی خود را بیشتر نشان میدهند. بدین معنی است که اصطلاحات از قبیل نوردیک اصلی و خزر و افریقائی اروپائی و اسامی شبیه آنها با هم برابری می شوند. بطور کلی در مرحله آخری هر اصطلاح و نامی چه از حیث جغرافیائی و چه از حیث زبان شناسی چیزی نیست بجز وسیله مناسبی که بتوان نماینده افکار و مطالب مربوطه باشد. اصطلاحات نوردیک اصلی یا شمالی اولیه فقط به تطابق اسلوب مدرن کمک میکند.

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۳۱۳

«و نیز باید خاطر نشان ساخت در مورد نوع نورديك اصلی که ظهور در حصار سوم از لحاظ زمان با تحول کلی نژادی که منتج به حرکت آریانیها یا هند و اروپاییها یا هند و آریاییها گردید تطبیق میکند . یکبار دیگر باید گفت که این اصطلاحات مربوط به حرکت‌های فرهنگی است و نه به انواع جسمانی . مردم دارای سر بلند و بزرگ تپه حصار از لحاظ نوع مشابه هستند با پیشقدمان موج فرهنگی و از این جنبه و باین معنی از نورديك اصلی میباشد . نوع مدیترانه در تپه حصار نماینده اجزاء نوع سر دراز باریک خاورمیانه هستند که در عصر حجر قدیم از انگلستان گرفته تا اندونزی یافت میشوند . آنان نیز نماینده نوعی هستند که در عصر حجر بطور قطع از نژاد سیاهپوست گرمالیدی سهم بردند . با این ریشه بعنوان میراث عجب نیست که انواع و اشکال بدرجات مختلف اختلاط و امتزاج نشان میدهند . در تپه حصار نوع مدیترانه نسبتاً خالص است و دارای عناصر ممکنه نژاد سیاهپوست نیست و بطور کلی مردمان از نوع سر دراز سفیدپوست هستند که واجد کلیه خصوصیات مردم ناحیه مدیترانه میباشد . وجود نادر و اتفاقی افراد از نژاد مخلوط مدیترانه و سیاهپوست مستلزم آن نیست که آنها را از نژاد حامی (این کلمه به خصوصیات فرهنگی و زبانی اطلاق میشود) یا دراویدی یا استرالی دانست .

«انواع دیگر که در دوره ماقبل تاریخ تپه حصار پیدا شده از قبیل سیاهپوست یا آلپی نقش حقیقی در ترکیب جمعیت نداشته‌اند . وجود نوع سیاهپوست را میتوان بر اساس تماس اتفاقی با کاروانها و پرندگان آنها توجیه نمود . نوع آلپی نیز شاید بر حسب تصادف از آسیای مرکزی (مغول حقیقی) یا از قفقاز آمده‌اند . نوع مغول آسیائی فقط در یک مورد مشکوک دیده شده است .»

مدارك مربوط باستخوان بندی درموزه تاریخ طبیعی وینه

ویکتور لبلتر Viktor Lebzelter یازده جمجمه را (نه تا از همدان و دوتا از بصره عراق) که درموزه تاریخ طبیعی وینه وجود دارد، مورد مطالعه قرار داده و شرح میدهد . شرح مبسوط و اندازه گیریهای کامل را میتوان در مقاله مربوط بررسی کرد . در اینجاست نتایج حاصله بطور حلاحه ذکر میشود و بعضی از اندازه گیریها از نظر تطبیق با اندازه گیریهای دیگر این کتاب نقل میگردد . شماره‌ها مربوط به کارت‌های فهرست انفرادی است .

شماره‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۵۱ متعلق به ایرانیهای بصره است .

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۳۱۵

لنز لتر انواع زیر را مشاهده میکند: (۱) اروپائی افریقائی شاید شمالی؛
(۲) نوع سر کوتاه بینی پهن؛ (۳) نوع سر دراز با قیافه ابتدائی و بینی پهن
و پیشانی و پشت کله بشکل نوع اروپائی افریقائی با خصوصیات شکلی نوع
استرالیائی.

مدارک استخوان بندی از شاه تپه نزدیک استرآباد

اطلاعات زیر از ت. ج. آرن T.J. Arne کسب شده است: ۱
ناحیه استرآباد در ۱۷۹۰ بوسیله دو مرگان و در همان سال بوسیله
سون هدین Sven Hedin بازدید شد. سرهنگ بیت Yate در ۱۸۹۴ از این
محل گذشت. آرن که در ۱۹۳۳ در شاه تپه حفاری کرد میگوید (ص ۴۱ - ۴۲)
مردمی که در عصر مفرغ در این ناحیه زندگی میکردند از نژاد متجانس و دارای
سردراز یا سرمتوسط بودند و این مطلب از اندازه گیری‌های جمجمه‌های زیر توسط
فوردست Furst ثابت میشود.

سطح	زمان	مرد	زن	کودک
I	۷۰۰ - ۹۰۰ م.	۱۰	۶	۳
II	در حدود ۲۰۰۰ ق.م	۴	-	۱
III	۲۰۰۰ - ۳۰۰۰ ق.م	۳	۲	-

قطعات دیگری از اسکلت انسان به مؤسسه تشریح لوئد Anatomiska
Institution واقع در جنوب سوئد منتقل گردید. دکتر ج. و. بکمن Backman
قسمتی از این اطلاعات را بر مبنای نوشته فوردست انتشار داده است که در ۱۹۳۹ در سلسله
انتشارات تحت عنوان گزارش هیئت علمی اعزامی به ایالات شمال غربی چین تحت
هدایت سون هدین (سری VII باستانشناسی و مردم شناسی) منتشر میشود.

نتایج کلی هیئت اعزامی آرن در ۱۹۳۵ منتشر شد.

در طی ۲۵۰۰ سال فاصله بین زمان اشغال ماقبل تاریخی و ساکنین مسلمان
این ناحیه احتمال کلی میرود که مردمی در این قسمت سکونت داشتند که کم و بیش
بادیه نشین و مانند مردم عصر حاضر این ناحیه چادر نشین بودند.

۱- این اطلاعات در ژوئیه ۱۹۳۸ توسط آرن Arne و هدین Hedin
در استکهلم بدست آمد.

در عصر مفرغ دشت ترکمن یکی از مراکز پرجمعیت دنیا بود. آرن (ص ۴۲) اضافه میکند که «تمایل شخص بر آن است که مردمان این دوره را هند و اروپایی بشمار آوریم» ولی بطور قطع نمیدانیم که این مردمی که بزبان هندواروپایی تکلم میکردند یا در موقع تهاجم به ایران این زبان را رایج کردند در واقع مانند ساکنین ماقبل تاریخ شاه تپه سردر از یاسر متوسط بودند. از وضع جسمانی و زبان و فرهنگ مهاجرین که در مقابل مردم شمالی ایران مبارزه کردند اطلاعی نداریم. مردم شمالی ایران ظروف سیاه و خاکستری بعنوان نشانه اقامت خود باقی گذاشته‌اند. امکان دارد که قدیمی‌ترین هندواروپاییهای ناحیه ایران غارتگران بادیه‌نشین بودند و الا باید چنین نتیجه گرفت که دوج مردم هند و اروپایی باین ناحیه آمدند.

قرانکفورت^۱ (ص ۳۱-۳۳) اناطولی و ماوراء قفقاز را مرکز پخش ظروف خاکستری و سیاه میداند. در ضمن در آن محل اثر جمعیت صحرکوتاه از نژاد ارمنی می‌یابد. ولی در هزاره سوم قبل از میلاد مردم ساکن دشت ارتباط نزدیک با گروه نژاد ارمنی نداشته‌اند. بعلاوه اطلاع بر وضع متقابل معاصر در ایران و آسیای صغیر بقدری مبهم است که نمی‌توان بطور قطعی گفت که تمدن و فرهنگ اناطولی و قفقاز قدیمی‌تر است.

جمع‌های لرستان

بعزت قدان اطلاعات مربوط به جمع‌های شناسی ساکنین اولیه ایران نویسنده قطعه کامل زیر را از نوشته اخیر آقای والوا H.V. Vallois (ص ۱۱۹-۱۳۴) درباره دو جمع‌های که آقای گرشن بدست آورده ترجمه و نقل میکنم.

(۱) در یک قبر ساده یعنی مقبره شماره ۴ در تپه جمشیدی در شمال لرستان اسکلتی پیدا شد که با ظروف سفالی نقاشی شده و به نیمه اول هزاره دوم قبل از میلاد بستگی دارد. خصوصیات آن عبارتست از جنس مذکر - سن ۲۰ - ۳۰، جمع‌های از لحاظ گودی و رابطه بین ارتفاع و عرض متوسط. ظرفیت ۱۳۸۵ سانتیمتر مکعب، در حال عمودی جمع‌های بیضی شکل است. پیشانی باریک و پشت سر نا- آشکار بنظر میرسد. برآمدگیهای جداره نسبتاً مشخص و قوس استخوان‌گونه

۱- چون این مطلب مهم بجای رسیده و در دسترس علاقمندان قرار دارد از نقل آن در اینجا خودداری میشود.

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۳۱۷

مختصر مرئی است . درزهای کله خیلی پیچیده است . در حال افقی پیشانی منحنی بنظر می‌آید در بدو امر عمودی سپس متدرجاً متعایل به‌رأس . ناحیه پشت رأس ناگهان به‌قسمت علیای استخوان پشت سر سقوط میکند .

از پس سر جمجمه حالت عادی خود را دارد .

صورت کم عمق و عریض و پهن است و آرواره رامت است . . . شکاف بینی پهن و گشاد ولی بهیچوجه شبیه بینی سیاه‌پوست نیست . . . حدقه چشم میانه و عرض بین دو حدقه باریک است . . . سق کوتاه . . . و چانه برجسته است . . . وضع دندانها بجز ناحیه کوچک کرم خوردگی در هر یک از سومین دندان آسیاب فك پائین خوب است .

(۲) در قبر شماره ۲ در تپه بدهره واقع در دشت اسدآباد پای کوه الوند

اسکلتی که کودکی در آغوش داشت پیدا شد . این تدفین وابستگی دارد با سفال رنگی از نوع متعلق به نیمه دوم هزاره دوم قبل از میلاد . جنسیت بطور تحقیق مؤنث و سن بین ۲۰ و ۳۰ و جمجمه از نوع سر متوسط با تمایل به سر کوتاه ارتفاع سر کوتاه و ظرفیت آن ۱۲۳۶ سانتیمتر مکعب .

در حال عمودی این جمجمه بیضی شکل ولی مدور تر از جمجمه شماره ۱

و پیشانی بزرگتر است . و پس سر جمجمه کاملاً گرد و قوس استخوان گونه نامرئی است . در حال افقی پیشانی مورب و قبه دراز است و قسمت عقب کمتر آشکار است . . . از پس سر شکل مانند سر اطفال کروی است . شاخص تناسب پیشانی و طرفین صورت از نوع پهن پیشانی است .

صورت که بلندتر و کم عرض تر از جمجمه شماره ۱ است از نوع کوچک صورت

میباشد و شاخص تناسب کلی از نوع خیلی کوچک صورت میباشد . آرواره‌ها راست و شکاف بینی که نسبتاً باریک از نوع متوسط و بطور کلی شبیه بینی معمولی افراد نژاد سامی است . کاسه های چشم مربع و نیمه گرد و در زیر و خارج مورب هستند . فاصله بین دو حدقه چشم خیلی باریک است . سق پهن و کوتاه است . . . چانه خیلی برجسته است . . . شاخص تناسب دندانهای بالا دندان متوسط و دندانهای پائین دندان بزرگ است . . . کرم خوردگی فقط در یکی از دندانهای انیاب و دو دندان آسیاب بالا وجود دارد و دو دندان آسیاب بالا کاملاً فاسد شده است .

در تشریح روابط عمومی نژادی و فرهنگی بین ایران باستان و ماوراءالنهر

والوا Vallois نتایج حاصله از مطالعه اسکلت‌های کیش^۱ و اور و کلد^۲ را نقل می‌کند. نکته جالب توجه اینست که این مردمان مدیترانه که عناصر اصلی جمعیت امپراطوریهای ماوراءالنهر را تشکیل می‌دهند بنظر میرسد که در همان زمان اجزاء متشکله عمده ممالک واقع در مشرق و شمال ایران باشند. س. سیول Sewell اخیراً در نل در جنوب بلوچستان جمجمه پیدا کرده است که متعلق بعصر مفرغ اولیه است و از لحاظ شکل مشابه با جمجمه سومریهای اور میباشد^۳. همچنین در اکتشافات اخیر مهنجودارو در دره سند بقایای اسکلت انسانی که همزمان با اوروکیش میباشد بدست آمده است^۴. پس از مطالعه دقیق یازده جمجمه سیول و گوها^۵ و بعداً فردریکز و مولر چند نوع مختلف تشخیص دادند: اولی مغولی و دومی طبق نظر سیول و گوها استرالیائی ولی طبق نظر برخی علمای مردم‌شناسی متعلق به ساکنین اولیه سیلان است. سومی مطابقت دارد بانوع مدیترانه (حامی از نظر فردریکز و مولر) و نشانه بسط نوع سومری به دره سند است. باید اضافه کرد که در میان جمجمه های مهنجودارو نوع ارمنی یافت نشد ولی فردریکز و مولر دو جمجمه از نوع ارمنی در هراپا Harappa که نزدیکی مهنجودارو است پیدا کردند.

در نزدیکی عشق آباد در ترکستان شوروی شش جمجمه مدتها قبل از یک تپه عصر حجر صیقلی جدید پیدا شد که تاریخ آن نامعلوم است و ممکن است بین ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ سال قبل از میلاد باشد. سرجی^۶ G. Sergi که آنها را مورد

۱ - مقایسه شود با شرح باکستون و رایس مورخ ۱۹۳۱ - همچنین نوشته باکستون در کتاب لنگدن Langdon ۱۹۲۴ ص ۱۱۵.

۲ - رجوع شود به نوشته سر آرتر کیت در «العبيد» - قبرستان» (حفاریات اور جلد اول قسمت ۲ اکتفورد ۱۹۲۷).

۳ - سیول و گوها: گزارش دربارۀ استخوانهای حفاری شده در نل (بررسی باستان‌شناسی هند ۱۹۲۹) ص ۳۵

۴ - این نکته دارای اهمیت است زیرا ایران در نیمه راه بین بین‌النهرین (عراق) و دره سند واقع شده و در اثر حفاریهای اخیر مدارک روابط فرهنگی بین دو گروه آشکار میشود.

۵ - «بقایای انسانی» از سرجان مارشال «مهنجودارو» لندن - ۱۹۳۱.

۶ - «شرح چند جمجمه از شمال گرگان، آناورد روسیه» (پمپلی Pumpelly) حفاریات در ترکستان با شرحی دربارۀ حوزه شرق ایران و سیستان - هیئت اکتشافی ۱۹۰۳ واشنگتن ۱۹۰۵.

مردم‌شناسی جسمانی ایران-۳۱۹

بررسی قرار داده معتقد است که از نوع سردراز یا کمی سرمتوسط میباشد و میگوید متعلق به گروه مدیترانه هستند که حتی در آن دوره قدیم همه جا پراکنده شده بودند .

والوا دربارۀ جمجمه شماره ۱ میگوید که از لحاظ شکل بطور کلی شبیه اقراذ نژاد مدیترانه است ولی قسمت صورت فرق دارد و شبیه ارمنی است و پس سر قدری صاف است .

در جمجمه شماره ۲ نیز نفوذ نوع مدیترانه و ارمنی دیده میشود ولی نفوذ ارمنی آن زیادتر است . در هیچیک از این دو جمجمه اثر قرابت اروپائی و افریقائی مشهود نیست . والوا با این نتیجه میرسد که در هزاره دوم قبل از میلاد مسیح لرستان دارای همان عناصر مردم‌شناسی بوده که در نواحی مجاور آسیای غربی وجود داشته است . در آنجا مانند اینجای مردمان از نوع مردم مدیترانه وجود داشته‌اند که بطور قابل ملاحظه‌ای پراکنده شدند و در این سمت ایران و در بین‌النهرین و حتی تاتارکستان و بلوچستان و هندوستان یافت میشوند^۱ یقین است که این نژاد نقش اساسی در پیدایش و نمو تمدنهای بزرگ مشرق زمین داشته است . علاوه بر اینها عناصر ارمنی در همان زمان وجود داشته که احتمال میرود از کوهستانهای ارمنستان و ناطولی آمده باشند ولی این مردم در لرستان نفوذ بیشتری داشته‌اند تا در بین‌النهرین .

عجب است که این دو دسته بزرگ نژادی درازمنه جدید در این نواحی وجود دارند . باکستون و رایس مشاهده کردند که در جمعیت حاضر ساپل نژاد مدیترانه و ارمنی کنار هم وجود دارند ولی اکثریت با افراد نژاد مدیترانه است . تحقیقات دو هوسه (۱۸۶۳) و هوسی (۱۸۸۷) و دیگران بخصوص آقای هرالدر کریچنر و خانمش (۱۹۳۲) در ایران وجود دو نوع اساسی را ثابت میکنند . یکی نوع سردراز (شاخص تناسب سر ۷۳ تا ۷۵) که بخصوص در جنوب شرقی ایران که محل اقامت ایرانیان باستانی بوده و بدون شك متعلق به نژاد مدیترانه میباشد . دوم نوع سرمتوسط که متمایل بسر کوتاه هستند (شاخص تناسب سر ۷۸-۷۹)

۱ - بنظر اینجانب قدیمیترین ساکنین بین‌النهرین از نژاد مدیترانه اولیه بودند که بعلمت تغییرات آب و هوا از بیابانهای مرتفع سمت مغرب رانده شدند . مراجعه شود به کتاب فیلد چاپ ۱۹۳۲ و ۱۹۳۳ و ۱۹۳۴ .

(۷۹) و در محل امپراطوری ماد قدیم واقع در مرکز و قسمت شمالی ایران سکونت داشتند و شامل عنصر ارمنی قابل ملاحظه میباشند .

والو باین نتایج نکات زیر را اضافه میکند : اولاً کلیه بقایای انسانی که در بین‌النهرین و ایران پیدا شده بطور وضوح متعلق به نژادهای اروپائی و سفید است . در هیچ‌جمجمه خصوصیات مغولی از قبیل صورت پهن و عریض دیده نمیشود . بنا بر این نظر بعضی از نویسندگان بخصوص بال و لاکوپری مبنی بر اینکه سومریها دارای خصوصیات نژادی مغولی بودند پایه و اساس ندارد زیرا نتایج مطالعات مردم‌شناسی جسمانی با چنین عقاید و نظریات مبیانت دارد .

ثانیاً مشاهده میشود که عنصر سیاهپوست مطلقاً وجود نداشته و بخصوص در هیچ‌جمجمه‌ای اثری از پیش‌آمدگی آرواره دیده نشده است . این مطلب کاملاً مخالف عقیده و نظر نویسندگانی مانند هامی Hamy و کاترفاژ Quatrefages و هوسی و غیره و نویسندگان جدید بخصوص هال و هوسینگک میباشد که معتقدند زمانی در بین‌النهرین و ایران جمعیت سیاهپوست وجود داشته که رابطه و حلقه بین سیاهپوستان افریقا و مردم هند و اقیانوسیه را تشکیل میدادند . ولی خصوصیات سیاهپوستی که تصور میشد در میان جمعیت معاصر شوش و جنوب بلوچستان وجود داشته نشانه وجود عناصر مردم از نژاد سیلان است که غیر سیاهپوست بودند (فن آیکشتد Von Eickstedt صفحه ۳۱۱ - ۳۱۲) .

نتیجه اینکه دو جمجمه لرستان وابستگی به مردم شمالی ندارند . بعلاوه موقعیت ایران بین هندوستان و اروپا بعضی از نویسندگان ایران را مرکز اصلی نژاد هند و اروپائی و باین ترتیب نژاد شمالی (نوردیک) دانسته‌اند و آنرا حامل تمدن آریان بشمار آورده‌اند .

بررسی و مطالعه ایرانیان عصر حاضر ثابت میکند که عنصر شمالی یا ابداً وجود ندارد یا اینکه اثر آن بسیار قلیل است . مطالعه این دو جمجمه این فقدان را تأیید میکند یا لاقلاً برای این ناحیه بخصوص و زمانی که بان تعلق دارند تأیید مینماید . بدون آنکه به بحث درباره مبدأ مردمان شمالی بپردازیم آشکار است که مطالعات مردم‌شناسی ایران هیچگونه دلیل و سندی برای اثبات این نظریه که ایران مرکز و مهد مردم موبور سردراز اروپای شمالی است بدست نمیدهد .

۱ - در عراق در بعضی افراد ساکنین فعلی خصوصیات چهره مغولی دیده شد .

بحث درباره این موارد در گزارش مربوط بعراق داده شده است . (فیلد ۱۹۳۵)

آمار اندازه گیری بدن انسانی

شماره ۳	شماره ۱۵	اندازه
۱۲۳۶	۱۳۸۵	Capacity ظرفیت
۴۸۳	۵۰۵	Horizontal Arc قوس افقی
۱۲۰	۱۲۵	Sagittal frontal arc قوس درز پیشانی
۱۲۹	۱۲۳	Sagittal Parietal arc قوس درز آهیانه
۱۰۷	۱۱۹	Sagittal Occipital arc قوس درز استخوان پس سر
۳۵۶	۳۶۷	Total Sagittal arc جمع کل قوس درزی حدا کثر طول استخوان
۱۶۹/۵	۱۷۸	Greatest Occipital length پس سر
۱۳۳	۱۳۷	Greatest breadth حدا کثر عرض
۱۱۸/۵	۱۲۹/۵	Basi_bregmatic height ارتفاع فرق سر
۸۹	۹۸/۵	Basion - nasion height بلندی مجری نخاع و بینی
۹۲	۸۹	Minimum frontal diameter حداقل قطر پیشانی
(۱۱۲)*	۱۱۴	Maximum frontal diameter حدا کثر قطر پیشانی
۷۸/۴	۸۶/۹	Cephalic index شاخص تناسب سر
۶۹/۹	۷۲/۷	Length - height index شاخص طول و ارتفاع
۸۹	۹۴/۵	Breadth - height index شاخص عرض و ارتفاع شاخص پیشانی و
۶۹/۱	۶۴/۹	Fronto - parietal index استخوان آهیانه
(۸۲/۱)	۷۸	Frontal index شاخص پیشانی قطر بیخ بینی تا
۶۶	۵۵	Nasion - prosthion diameter دندانهای جلو قطر بیخ بینی تا
۱۱۲	(۹۷)	Nasion - gnathion diameter استخوان چانه
۱۱۷	۱۲۳	Bizygomatic breadth عرض استخوان گونه ها قطر مغز تا
۸۴	۹۶	Basion - prosthion diameter دندانهای جلو

قطر بین-حدقه‌های

۱۸	۱۸	Interorbital diameter (Anterior)	چشم (جلو)
۴۸	۴۱	Nasal length	طول بینی
۲۴	۲۱/۵	Nasal breadth	عرض بینی
۳۱/۵-۳۸	۳۸-۳۰/۵	Orbital breadth	عرض حدقه چشم
۴۰/۴۰	۴۲/۳۸	Palatal breadth	عرض سق
۳۹	۳۸	Upper molar length	طول دندانهای آسیاب بالا
۵۶/۴	۴۴/۷	Upper facial index	شاخص قسمت علیای صورت
۹۵/۷	(۷۸/۸)	Total facial index	شاخص کل صورت
۵۰	۵۹/۷	Nasal index	شاخص بینی
۸۲/۸	۸۰/۲	Orbital index	شاخص حدقه چشم
۱۰۰	۹۰/۴	Palatal index	شاخص سق
۹۴/۳	۹۷/۴	Prognathic index	شاخص آرواره
۴۳/۸	۳۸/۵	Upper dental index	شاخص دندانهای بالا
۹۰	۹۴	Total angle of profile	زاویه کل نیمرخ
(۹۶)	۹۸	Mandibular length	طول فك سفلی
۱۰۸	۰۰۰	Bicondilar breadth	عرض مهره‌های مفصل
۸۲	۹۲	Bigonial breadth	عرض زاویه فك سفلی
۴۲	۴۴/۵	Lower molar length	طول دندانهای آسیاب پائین
			شاخص عرض و طول
(۸۵/۴)*	۹۳/۸	Length_breadth bigonial index	زاویه فك پایین
۵۷/۷	۴۳/۸	Ascending ramus index	شاخص خاص فك
۴۷/۱	۴۵/۱	Dental index	شاخص دندان

در موقعیکه شرح فوق تحت چاپ بود والوا فرصت آنرا پیدا کرد که سه مجموعه دیگر و چند قطعه استخوان فك را که در تپه ژیان در دره نهاوند در شمال لرستان پیدا شده بوده وارد بررسی قرار دهد. قطعات این مجموعه‌ها بوسیله حروف C و B, A مشخص شده است و در زیر شرح داده میشود.

*ارقام در پرانتز بطور دقیق معین نشده است.

مردم‌شناسی جسمانی ایران-۳۲۳

A. از قبری در سطح III بدست آمده . در این قبر حاوی همان ظروف سفالی جمجمه شماره ۱ میباشد که تصور میرود با آن همزمان باشند . این کاملترین جمجمه‌ها است و متعلق به مرد نسبتاً قوی در حدود چهل سال میباشد . در حال عمودی جمجمه بیضی شکل است . برآمدگی بالای حدقه چشم و برآمدگی پیشانی میان دو ابرو (glabella) کاملاً مشخص و خودپیشانی مورب است بعضی از اندازه‌گیریهای آن عبارتند از : طول پیشانی تا پشت سر ۱۹۰ ، حداکثر عرض ۱۳۲ یا کمی بیشتر ، شاخص سر ۶۹/۴ یا شاید ۷۰ - ۷۲ ؛ شاخص پیشانی ۷۷/۴ .

B. از سطح I پیدا شده و به پایان هزاره دوم نسبت داده میشود . جمجمه یعنی قسمت پس سر متعلق بفردی است بسن ۲۰ تا ۳۰ و از نوع سردراز یا سرمتوسط میباشد . این جمجمه با قسمتی از فك زیرین زنی بدست آمده که همه دندانهایش درآمده و کم استعمال شده و اثری از کرم‌خوردگی ندارد . چانه آن خوش شکل

C. از سطح I پیدا شده و به پایان هزاره دوم نسبت داده میشود . این جمجمه متعلق بفردکلان‌سالی بسن ۳۰ تا ۴۰ است و از لحاظ شکل شبیه جمجمه A میباشد . بیضی شکل و بدون شك از نوع سردراز است ولی شاخص تناسب سر را نمیتوان معین کرد . از آنجائیکه قسمت سفلی استخوان پیشانی از بین رفته در باره برآمدگی‌های فوق حدقه اظهار نظر نمیتوان کرد . منسوب با این جمجمه فك سفلی بزرگی است که خوب باقی‌مانده و دندانها از بین رفته ولی اثر کرم‌خوردگی در آن نیست . سومین دندان آسیاب مدتها قبل از بین رفته بوده است . چانه خوب مشخص است همراه با آن استخوان سق پیدا شده که همه دندانها از بین رفته و اثر غائقریا و اِبسه در قسمت حفره دندان آشکار است . . .

مطلب جالب توجه اینکه این سه جمجمه نشان میدهند که اثر نوع سردراز در لرستان در زمان مورد بحث قویتر از زمان جمجمه شماره ۱ و ۲ بوده است . طبیعی است که عنصر مدیترانه همیشه وجود داشته و در جمجمه A میتوان یقین داشت که آن نمونه اولین نوع کیش یعنی نوع اروپا و آفریقائی سرجی است .

والو امینویسد که در آزمایشگاه مردم‌شناسی دانشکده طب تولوز جمجمه‌های

ایرانی زیر وجود دارد .

جمجمه‌هایی از گورستان سیالك نزدیک کاشان

تعداد	هراره	دوره
۶	۵	مس
۱۰	۴	برنز
۳	۲	برنز
۲	۲	آهن
۱۸	۱	آهن
۳۹	جمع	

جمجمه‌هایی از گورستان شوش

تعداد	دوره
۱	۲۴۰۰ - ۲۳۰۰ ق.م
۴	۲۲۰۰ - ۲۳۰۰
۳	۲۰۰۰ - ۱۹۰۰
۲	۱۵۰۰ - ۱۴۰۰ (عیلامی) ق.م
۴	دوره ماسانی
۱	جمع
۱۵	۴۰۰ - ۵۰۰ م

پنج جمجمه‌ای که در بالا شرح داده شد اکنون در مؤسسه دیرین‌شناسی انسانی پاریس وجود دارد. والوا اضافه میکند که بديك‌سری جمجمه‌های آسوری و جمجمه‌های متعلق به عصر حجر و دوره فینیقی سوریه دسترسی دارد.

جمجمه‌های تورنگک تپه نزدیک استرآباد

دکتر فردریک ولسین Frederick R. Wulsin که از طرف مؤسسه ویلیام راکهیل نلسون کانساس سیتی در تورنگک تپه بعملیات باستان‌شناسی اشتغال داشت هشت جمجمه در آن نقطه پیدا کرد. این جمجمه‌ها بدست موزه دانشگاه فیلادلفیا افتاد و از طرف مدیر موزه دکتر هوراس جین به موزه پیبادی دانشگاه هاروارد تقدیم

مردم‌شناسی جسمانی ایران- ۲۲۵

گردید . با اجازه پرفسور هوتن اینجانب اندازه گیریها و ملاحظات آقای نیومن را در اینجا نقل میکنم شماره‌ها مربوط به کاتولگک موزه پیبادی است ولی اسناد تدفین در موزه دانشگاه فیلادلفی است .

دکتر ولسین در نامه مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۳۸ چنین مینویسد : داین مجموعه‌ها از یک محل مسکونی که بعصر مس یا عصر برنز نسبت داده میشود بدست آمده است . در این محل سه سطح تدفین وجود داشت . اولی تقریباً در سطح زمین قرار داشت و نشانه آن بود که تپه کوچک از زمان دفن کردن مردگان بتدریج پایین رفته . دو سطح تدفین دیگر چندین متر زیر زمین بوده این هشت مجموعه از سطح بالا بدست آمد از نظر طبقه ممکن است به هر زمانی تعلق داشته باشند . جایگاهی که در آن قرار داشتند قدیمی بود ولی تدفین جدید هم در همان جایگاه بعمل می‌آمد . بنظر من اینها متعلق به چندین قرن پیش است زیرا استخوانها آنقدر نزدیک پریشه گیاهها است که نمیتواند متعلق بعصر حاضر باشد . سطح زمین لااقل پنجاه سانتیمتر و شاید ۷۵ سانتیمتر پایین رفته است . از طرف دیگر یقین دارم که این مجموعه‌ها متعلق بعصر مس و برنز نیست زیرا تدفین‌های آن دوره فشرده تر و همراه جسد هدا یا و تقدیمی‌ها قرار میدادند در صورتیکه قبرهای جدید بسیط‌تر است . در سطح بالا هم هدایائی مشاهده میشود ولی نادر است و از حیث نوع با قبور سطح زیرین فرق دارد . اغلب بجای ظروف سفالی پارچه و لباس است . چنین بنظر میرسد که این تدفین‌ها در زمانی بین ۱۰۰۰ سال قبل از میلاد و ۱۲۰۰ میلادی صورت گرفته باشد : بنظر من متعلق بزمانهای مختلف در این فاصله میباشد . بعضی از آنها از جمله شماره ۶۴۹ که متعلق به مرد جنگجوی بود حاوی اسلحه آهنین است و در یک قبر دیگر تابوت میخ آهنی دارد .

اندازه گیری و شاخص ها

	N/٦٥٨	N/٦٥٦	N/٦٥٥	N/٦٥٤	N/٦٥٢	N/٦٥١	N/٦٤٩	N/٦٤٨	اندازه ها
	١٧٠	١٧٩	١٧٥	١٦٣	١٦٦	١٧٦	١٧٥	١٧٩	Glabello-occipital length
	١٣٩	(١٥٠)	١٤٤	١٤٥	١٤٤	١٤٥	١٤٩	١٤٠	Greatest breadth
	١٣٥	١٣٥	...	١٢٤	١٣٩	١٣٧	١٣١	١٣٨	Basic-bregmatic height
	٦	٦/٣٨	٥	٦	٥	٦	٦	٧	Left parietal thickness Minimum frontal diameter
	٩٨	١٠٠	٩٣	٩٢	٨٩	٩٦	١٠١	٩٩	Auricular height
	١٢١	...	١١٩	١١٢	١١٦	١١٨	١١٧ ^b	١٢٠	Frontal height
	١٠٣	١١٩	١٠٤	١٠٨	١١٥	١١٥	١١٠	١١١	Frontal angle
	٥٦	...	٥٣	٤٩	٤٩	٤٩	٥٠	٥١	Total facial angle
	٨٣	٨٤	٨٢	٨٤	٩٠	Mid-facial angle
	٩٢	٨٨	٩٢	٨٩	١٠١	Alveolar angle
	٦١	(٧١)	٥٦	٦٨	٦٢	Bizygomatic breadth
	١١٩	(١٤٣)	...	١٣٤	(١٣١)	١٣٤	١٣٦	١٣٤	

در این مورد آهیانه راست، ب يك ميليمتر برای چپ ان شکستگی اضافه شده است.

اندازه ها

N/608	N/606	N/600	N/604	N/602	N/601	N/609	N/608	
...	134 ^h	104 ^f	133 ^c	123 ^e	127 ^e	Nasion-menton height ارتفاع بیخ بینی تا جانه
70	84	64	77	77	78	Nasion-prosthion height ارتفاع بیخ بینی تا حفره دندانهای جلو
98	103	...	90	96	104	102	100	Basion-nasion height ارتفاع نوک سر تا بیخ بینی طول نوک سر تا حفره
96	107	90	100	103	96	Basion prosthion length دندانهای جلو
02	09	04	00/6	04	04/0	Nasal height ارتفاع بینی
33	30/0 (34/2)	33/2	34	34/3	Left orbital height ارتفاع حدقه چپ
42	(42)	39	42	40	Left orbital breadth عرض حدقه چپ
33	36/2	...	34	34	33	34/4	35	Right orbital height ارتفاع حدقه راست
43	43	...	40	38	39/3	42/4	40	Right orbital breadth عرض حدقه راست
13	13/3	...	14	11	12	14/4	13	Nasalia-upper breadth عرض فوقانی بینی
16	20/4	10	16/0	18	...	Nasalia-lower breadth عرض تحتانی بینی
23	24	...	20	19/3	20	22	20/0	Interorbital breadth عرض بین دو حدقه
103	108	96	104	96	Biorbital breadth عرض دو حدقه
06	60	48	08	07	07	External palatal length طول خارجی سقف

۲۴ میلیمتر برای دندان اضافه شده است .

۴c میلیمتر برای سائیدگی دندان .
۲d میلیمتر برای سائیدگی دندان اضافه شده است .
۳e

$N/704$ $N/707$ $N/700$ $N/704$ $N/702$ $N/701$ $N/749$ $N/748$

اندازه ها

۶۳	۶۹	۵۷	۶۹	۶۸	۶۶	عرض خارجی سق	External palatal breadth
۱۱۲	۱۰۷	۹۰	۹۷	۸۸	۱۱۰	۱۰۳	(۱۰۲)	طول مهره استخوان چانه	Condyle - Symphyseal length
۱۱۸	۱۳۷	۱۲۰	۱۲۸	۱۱۵	۱۱۸	۱۱۳	۱۲۹	عرض دو مهره استخوان	Bicondylar breadth
۳۶	۳۸/۱	۴۴	(۳۱)	۲۷	...	۳۳/۳	۳۳	ارتفاع استخوان چانه	Symphysial height
۹۸	۱۱۵	۹۶	(۹۷)	۹۰	۹۹	۹۸	۱۰۱	عرض دو زاویه فک پایین	Bigonial breadth
۲۷	۳۹	۳۲	۳۴/۲	۳۱	۳۷/۴	۳۵	۳۵	حداقل عرض قسمت عقبی فک سفلی	Ascending ramus minimum breadth
۱۳۳	۱۱۶	۱۰۶	۱۱۵	۱۰۶	۱۱۳	۱۲۶	(۱۱۵)	زاویه فک سفلی	Mean angle mandible
۴۹۱	...	۵۱۶	۴۸۷	۴۹۴	۵۰۸	۵۲۲	۱۵۹	محیط اقبی	Horizontal circumference
۳۵۶	۳۷۰	۳۶۳	۳۳۸	۳۵۹	۳۵۹	(۳۶۷)	۱۶۳	بیشینه بینی تا مرز عقبه جبینی	Nasion opisthion
۳۱۵	...	۳۲۱	۳۱۰	۳۲۰	۳۲۲	...	۳۲۴	قوس متقاطع شاخص ها	Transverse arc indices
۸۱/۸	۸۴	۸۲/۳	۸۹	۸۶/۷	۸۲/۵	۸۵	۷۸/۳	سر	Cephalic
۷۹/۵	۷۵/۵	...	۷۶	۸۳/۷	۷۸	۷۵	۷۲	طول و ارتفاع	Height - length
۹۷	۹۰	...	۸۵/۵	۹۶/۵	۹۴/۵	۸۸	۹۸/۵	عرض و ارتفاع	Height - breadth
۷۰/۵	۶۶/۶	۶۹/۵	۶۷	۶۱/۸	۶۶	۶۸	۷۰/۷	پیشانی - آهیانه	Fronto - porietal

اندازه ها

N/٦٥٨	N/٦٥٦	N/٦٥٥	N/٦٥٤	N/٦٥٢	N/٦٥١	N/٦٤٩	N/٦٤٨	Auricular height-length طول و ارتفاع لاله گوش
٧١/٣	...	٦٨	٦٨/٨	٦٩/٩	٦٧	٦٧	٦٧	٦٧
١٤٨	١٥٥	...	١٤٤	١٥٠	١٥٣	١٥٢	١٥٢	Cranial module اندازه سر
.	٩٣/٨	٧٩/٤	٩٩/٣	٩٠/٥	٩٤/٨	Facial صورت
٥٨	٥٨/٧	٤٨/٨	٥٧/٥	٥٦/٦	٥٨	Upper facial قسمت بالای صورت
٩٢/٨	٩٥/٥	...	٩٢/٥	٩١	٩٢/٥	٩١	٩٥/٧	Cranio-Facial سر - صورت
٥١	٤٩	٥٢/٨	٤٥/٢	٤٣/٤	٤٤/٢	Nasal بینی
٧٨/٥	٨٢/٥	٨٢	٨٥/٧	٨١	٨٦/٥	Left orbital حدقه چپ
٨١/٣	٦٥	٩٦	٧٢/٨	٨٠	...	Nasalia-transverse بینی از عرض
٢٢/١	٢٢	٢٠/٨	٢١	٢١/٣	interorbital بین دو حدقه
١١٢/٥	١١٥	١٠٨	١١٩	١١٩	١١٥/٨	External palatal سوق خارجی
٩٥	٧٨	٧٥	٧٥/٧	٦١	٩٣	٩١	٧٩	Mandibular فک سفلی
٧٦	٨٠/٥	...	٧٢/٥	٦٩/٥	٧٤	٧٢	٧٥/٤	Zygo gonial گونه و فک سفلی
١٠٠	١١٥	١٠٣	١٠٠	١٠١	١٠٣	٩٧	١٠٢	Fronto gonial پیشانی و فک سفلی
٧٦	٧٠	...	٧٢/٥	٦٨	٧١/٦	٧٤	٧٣/٩	Zygo-frontal گونه و پیشانی

جمجمه های ری ۱۹۳۶

با اجازه و لطف آقای هوراس جین Horace H.F. Jayne مدیر موزه دانشگاه فیلادلفی و دکتر اریک اشمیدت رئیس هیئت اکتشافی ری یادداشت های زیر برای اولین بار منتشر می شود. این یادداشتها توسط آقای جیمز گال که فعلا در موزه پیبادی دانشگاه هاروارد کار میکند در ۱۹۳۶ موقیبه عضو هیئت اکتشافی ری بود تهیه شده است .

جمجمه های زیر در یک تقارخانه در یک برج دوره سلجوقی در حوالی ری اندازه گیری شده است . این محل چندین میل مربع مساحت دارد و در نزدیکی شاه عبدالعظیم که در چند میلی جنوب طهران قرار دارد واقع شده است .
اندازه گیری زیر از جمجمه ای مرد بزرگسال است بجز شماره ۴ - x که متعلق بزن است .

اندازه	شماره ۵ - x	شماره ۴ - x	شماره ۱ - x
طول سر	۱۶۵	۱۶۱	۱۷۶
عرض سر	۱۴۳	۱۳۹	۱۴۷
ارتفاع سر	۱۳۴	۱۳۳	۱۳۶
محیط	۴۹۵	۴۷۸	۵۱۴
حداقل قطر پیشانی	۹۳	۹۵	۹۹
ارتفاع پیشانی	۱۰۵	۱۰۱	۱۱۶
عرض دو گونه	۱۳۰	۱۲۰	۱۲۳
ارتفاع بیخ بینی تا چانه	۱۱۱	۱۱۶	۱۱۷
ارتفاع بیخ بینی تا حفره دندانهای جلو	۶۸	۷۲	۶۷
ارتفاع نوک سر تا حفره دندانهای جلو	۹۷	۹۲	۱۰۰
طول نوک سر تا بیخ بینی	۹۴	۹۹	۱۰۶
ارتفاع بینی	۴۸	۵۰	۵۱
عرض بینی	۲۶	۲۲	۲۲
تحریف	جزئی	جزئی	...
	برآمدگی	برآمدگی	
	آهیا نه چپ	آهیا نه چپ	

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۳۳۹

عرض مهره‌های استخوان چانه	۱۲۰	۱۰۴	۰۰۰
ارتفاع استخوان چانه	۳۲	۳۰	۲۳
قطر دوزاویه فك پایین	۹۸	۸۶	۹۴
شاخص‌ها			
عرض سر	۸۶/۶۶	۸۶/۱۴	۸۳/۵۲
ارتفاع - طول	۸۱/۲۱	۸۳/۲۳	۷۷/۲۷
ارتفاع - عرض	۹۳/۷۰	۹۵/۶۸	۹۲/۵۱
صورت	۸۵/۳۸	۹۶/۶۶	۹۵/۱۲
قسمت علیای صورت	۵۲/۳۰	۶۰/۰۰	۵۴/۴۷
سر و صورت	۹۱/۲۵	۸۶/۳۳	۸۳/۶۷
بینی	۵۴/۱۶	۴۴/۰۰	۴۳/۱۳
پیشانی - آهیانه	۷۰/۸۰	۶۸/۳۴	۶۷/۳۴

طبقه‌بندی بر حسب شاخص سر

شماره	جنسیت	سر	بینی	صورت	ارتفاع سر
۱	مرد	دراز	متوسط	دراز	کوتاه
۴	مرد	دراز	متوسط	عریض	بلند
۶	مرد	دراز	پهن	عریض	کوتاه
۳	مرد	متوسط	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۰	زن	متوسط	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۵	مرد	متوسط	دراز	دراز	بلند
۲	زن	عریض	متوسط	متوسط	متوسط
۵	مرد	عریض	متوسط	متوسط	۰۰۰
۷	مرد	عریض	۰۰۰	۰۰۰	بلند
۸	زن	عریض	کوتاه و پهن	۰۰۰	بلند متوسط
۹	مرد	عریض	۰۰۰	۰۰۰	۰۰۰
۱۲	زن	عریض	دراز	دراز	بلند
۱۳	مرد	عریض	دراز	۰۰۰	بلند
۱۴	مرد	عریض	۰۰۰	۰۰۰	متوسط
۱۶	مرد	عریض	کوچک و باریک	متوسط	متوسط

سر دراز

سر کوتاه

- ۱ - جمجمه معمولی و دندانها خوب است .
- ۲ - آهیانه‌چپ شکسته ولی دندانها خوب است .
- ۳ - درباره این کاسه سر معمولی اظهار نظر نشده است .
- ۴ - در محل التقای درز استخوان آهیانه و پس‌سر يك استخوان ورهیان *Vormian* وجود دارد .
- ۵ - استخوان نوکسر و حفره نخاع از بین رفته و بنا بر این ارتفاع جمجمه تقریبی احتساب شده است .
قسمت پس‌سر صاف است و در نتیجه سر بظاهر بلند و عریض جلوه میکند .
آهیانه راست قدری برآمدگی دارد .
- ۶ - درز آهیانه فرورفته - هیچگونه نقص و انحراف مشهود نیست .
- ۷ - قسمت چپ استخوان پیشانی و فك چپ بالا از بین رفته ، استخوان پس‌سر صاف شده است .
- ۸ - نیمی از آهیانه راست از بین رفته . بینی خیلی کوتاه و پایه جمجمه کوتاه است و بنظر فشرده میرسد که ممکن است نتیجه عدم رشد باشد . برآمدگی آهیانه چپ نتیجه بیماری بوده و این شخص در زندگی احتمال می‌رود ناقص عقل بوده است .
دکتر ماکداول رئیس بیمارستان امریکائی طهران میگوید ممکن است بیماری *Ostia malasia* در این جمجمه اثر گذاشته باشد .
- ۹ - روی این جمجمه در آهیانه‌چپ برآمدگی مشاهده میشود و پس‌سر صاف شده است . این قطعه جمجمه بقدری نامنظم است که تصور می‌رود غیر عادی باشد .
- ۱۰ - استخوان فك چپ بالا و استخوان سمت چپ پیشانی مفقود است . پس‌سر برآمده است .
- ۱۱ - در این جمجمه که در جدول بالا محسوب نشده است در امتداد درز استخوانهای پس‌سر و آهیانه استخوان *Wormian* دیده میشود . پس‌سر پیش آمده است .
- ۱۲ - نیمی از آهیانه راست مفقود است . باید در نظر داشت که با اینکه این جمجمه يك سالمند است درز پیشانی بسته نشده است . مهره بزرگ بینی مشهود است در امتداد درز پس‌سر و آهیانه استخوانهای *Wormian* دیده میشود .
- ۱۳ - قسمت عمده آهیانه راست از بین رفته . سومین دندان آسیاب فك بالادر

مردم‌شناسی جسمانی ایران-۳۳۳

نیامده، درحالی‌که درفک پائین درآمده است. اولین دندان آسیاب چپ پائین دونیم است و شاید در زمان حیات صاحب آن دو واحد جدا گانه بوده. دندانها بطور کلی خوب است. در درز بین پس‌سر و آهیانه استخوانهای Wormian دیده میشود.

۱۴ - درزهای بین آهیانه و پس‌سر فرورفته و پس‌سر برآمده است.

۱۵ - جمجمه خوب مانده. سومین دندان آسیا درفک بالا در نیامده ولی درفک پایین درآمده. از وضع استخوانها و میزان فرسودگی دندانها و ظاهر کلی احتمال میرود که این جمجمه متعلق به سالمند جوان باشد ولی درز بین استخوان آهیانه مسدود شده و از بین رفته است. وضع دندانها خوب است. این اسکلت در چاهی در RTI پیدا شد: تاریخ آن دوره اسلامی II است و قسمت عمده اسکلت بوضع خوبی باقی مانده است.

اندازه گیریهای زیر بدست آمد: حداکثر طول استخوان ران ۰/۴۷۳ -

طول مهره‌های مفصل ۰/۴۷۱ - طول قصبه کبری ۰/۳۹۱

پس از بکار بردن فورمول پیرسون برای قد گال قد این شخص را از ۱۷۱

سانتیمتر یا ۵ پا و ۷ اینچ تشخیص داد.

۱۶ - قسمت چپ استخوان پیشانی از بین رفته. در آهیانه چپ برآمدگی

مختصری وجود دارد. در درز آهیانه و استخوان پس‌سر استخوان Wormian دیده میشود وضع دندانها بد نیست.

وقتی شاخص‌ها را مورد بررسی قرار دهیم ملاحظه میشود که بین این

جمجمه‌ها هم آهنگی و تجانس وجود دارد. شماره ۸ و ۹ را بعلت غیر عادی بودن

نباید بحساب آورد. اکثر جمجمه‌ها از نوع سر کوتاه هستند که عبارت باشند از

شماره‌های ۲ و ۵ و ۷ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ و ۱۶. از طرف دیگر شماره‌های ۱ و

۴ و ۶ از نوع سردراز و شماره‌های ۳ و ۱۰ و ۱۵ از نوع سر متوسط میباشند.

جمجمه‌های بالا متعلق بدوره اسلامی I (قرن ۷ تا ۱۰ میلادی) میباشد

ولی شماره‌های ۱۴ و ۱۵ بدوره اسلامی II یعنی قرن ده تا دوازده میلادی نسبت

داده میشود.

جمجمه‌های درموزه‌های آمریکا

علاوه بر جمجمه‌های درموزه‌های آمریکا که تاکنون شرح داده شده دو جمجمه

دیگرا باید مورد مطالعه قرار داد که میگز Meigs ذکر کرده است . اول شماره ۷۳۱ پارسی یا ایرانی آتش‌پرست از برج سکوت در بمبئی- هندوستان- زن، سن ۴ شاخص سر ۷۵ .

دوم شماره ۷۴۳ پارسی یا ایرانی آتش‌پرست - از برج سکوت نزدیک بمبئی- زن ، سن ۵۰ شاخص سر ۸۹ .

در سال ۱۹۳۴ نویسنده چندین مجمه متعلق به دوره نسبتاً اخیر درری و تخت جمشید مشاهده کرد گزارش درباره این مجمه‌ها و استخوان‌هاییکه اخیراً پیدا شده است بزودی منتشر خواهد شد .

قبل از شرکت در کنفرانس بین‌المللی علوم مردم‌شناسی و نژادشناسی که در ماه اوت ۱۹۳۸ در کپنهاگ تشکیل گردید اینجانب نامه‌ای به مدیران موزه‌ها و مؤسسات مختلف نوشت و سؤال کرد آیا اسکلت یا مجمه انسانی در مؤسسه خود دارند یا نه . برای اینکه مردم‌شناسان دیگر زحمت تحقیق و پرسش نداشته باشند در زیر نام موزه‌ها و مؤسسات اروپائی را که آثار اسکلت یا مجمه از ایران ندارند نقل میکنیم .

کشور	محل	مؤسسه
بلژیک	بروکسل	موزه سلطنتی هنر و تاریخ
انگلیس	کمبریج	موزه باستان‌شناسی و نژادشناسی
انگلیس	اکسفورد	موزه دانشگاه
فنلاند	هلسینکی	موزه کانالیس
آلمان	برلین	
آلمان	برلین	موزه
هلند	آمستردام	مؤسسه تشریح- دانشگاه آمستردام
هلند	لیدن	موزه تاریخ طبیعی
هلند	اوترخت	آزمایشگاه تشریح- دانشگاه
ایتالیا	فلورانس	موزه ملی مردم‌شناسی و نژادشناسی
ایتالیا	رم	مؤسسه مردم‌شناسی- شهر دانشگاه
نروژ	اوسلو	موزه حیوان‌شناسی
لهستان	کراکو	موزه مردم‌شناسی دانشگاه
لهستان	لوو	مؤسسه مردم‌شناسی و نژادشناسی

مردم‌شناسی جسمانی ایران ۴۳۵

لهستان	ورشو	مؤسسه مردم‌شناسی
لهستان	ورشو	موزه حیوان‌شناسی
سوئیس	زوریخ	مؤسسه مردم‌شناسی دانشگاه زوریخ
روسیه شوروی	مسکو	موزه مردم‌شناسی - دانشگاه دولتی

علاوه بر گزارش تپه‌حصار کروگمن اسکلت و استخوانهای علیشر مویوک در اناطولی را در جلد ۳۰ نشریه مؤسسه شرقی دانشگاه شیکاگو مورخ ۱۹۳۸ شرح داده‌است. چون این گزارش قابل دسترسی است از نقل آن در اینجا صرف نظر میشود.

از آنجائیکه بین ایران و دره سند در زمانهای قدیم ارتباط فرهنگی وجود داشته (رجوع شود به استاین ص ۳۸-۶۴ و همچنین فرانکفورت) بی‌متناسب نیست بطور خلاصه شرح يك مجموعه قدیمی را که در شمال غربی هندوستان پیدا شده در اینجا نقل کنیم.

مجموعه از چنهودارو - هندوستان

دکتر ویلتون کروگمن Wilton M. Krogman و ویلیام ساسامن William H. Sassaman عضو آزمایشگاه کالبدشناسی و مردم‌شناسی جسمانی دانشگاه وسترن رزرو واقع در کلیولند اوهایو مجموعه‌ها را (شماره ۳۳۲۴ ك) که در چنهودارو در ناحیه نواب‌شاه‌سند در هندوستان پیدا شده و منسوب به تمدن‌ها را پا مورخ ۳۰۰۰ تا ۲۶۰۰ سال قبل از میلاد است شرح داده‌اند.

در ۳۶ - ۱۹۳۵ هیئت اکتشافی آموزشگاه آمریکائی مطالعات هند و ایران و موزه هنرهای زیبای بوستن تحت رهبری دکتر ارنست مکی Mackay^۱ در تپه II چنهودارو واقع در ۱۲ میلی‌مشرق بستر فعلی رود سند و در ۸۰ میلی‌جنوب - جنوب شرقی مهنجو دارو تحقیقات بعمل آوردند. در زیر شرح يك مجموعه که در این محل پیدا شد داده میشود.

این مجموعه دراز و در پیشانی کوتاه و پهن است. صورت عریض و کوتاه و پهن است و مختصری پیش‌آمدگی دارد بینی وسق عریض هستند و حذقه‌ها پایین است. مجموعه دراز (حداکثر طول استخوان پس‌سر ۱۷۸ - حداکثر عرض ۱۲۶/۵ -

۱ - مدیر عملیات میدانی هیئت اکتشافی موزه فیلد و دانشگاه اکسفورد به کیش عراق ۱۹۲۳-۱۹۲۶.

شاخص سر ۷۰/۰۷) و صورت پهن (عرض استخوان گونه‌ها ۱۲۴) خصوصیات غیر متجانس است.

نتایج حاصله از این قرار است: مجموعه چنهودارو متعلق بزمی است بسن ۲۲-۲۵ این مجموعه از یک کوزه بزرگ بدست آمد و هیچگونه قسمت دیگر اسکلت وجود نداشت ولی همراه صدف حلزونی و اشیاء کوچک فلزی بود. این مجموعه نماینده نوع مدیترانه اولیه است که در آن آثار نژاد سیاهپوستی اجدادی آشکار است. صورت غیرمتجانس تنوع و اختلاف فردی است و نه اختلاط بانوع نژادی آسیای شرقی. فقط از یک لحاظ یعنی تناسب طول و عرض فرق سر مجموعه چنهودارو بانوع ایده‌آلی مدیترانه اولیه تطبیق میکند.

اکنون به بحث درباره روش و تکنیک ثبت اندازه گیری اجزاء استخوانی بدن که در این کتاب بکار رفته میپردازیم.

روش و تکنیک اندازه گیری

در فصول گذشته سرزمین و مردم ایران مورد بحث قرار گرفت و اشارات تاریخی مربوط به مردم نقل گردید و جمعیت ایران عصر حاضر استان باستان بررسی شد.

شک نیست که موجهای مهاجرت اقوام مختلف در طول تاریخ طول در خصوصیات جسمانی ساکنین این کشور اثر گذاشته است. تحقیقات اندازه گیری اجزاء بدن انسانی در دره نیل و دره بین‌النهرین نشان میدهد که با وجود مهاجمین متعدد که بازور اسلحه این ممالک را مسخر کردند اصل جمعیت این نواحی در طی شش هزار سال گذشته از نظر جسمانی تغییرات زیادی ننمودند در اثر مشکلات مسافرت و خصومت عشایر مسلح تحقیقات کامل اندازه گیری در ایران تا کنون بعمل نیامده است. تشکیل حکومت قوی مرکزی در طهران و خلع سلاح عشایر بسیاری از مشکلات را از بین برده است. بعلاوه معمولاً مردم با رضایت خاطر حاضر نمیشوند اندازه گیری شده و عکس آنها برداشته شود و نمونه مو و خون آنها گرفته شود. بغير از ناراحتی جسمانی خرافات و تعصباتی درباره قدرت يك فرد خارجی که عکس یا مو یا نمونه خون اشخاص را در اختیار دارد موجود است. بعلاوه بعضی عوامل

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۳۳۷

مذهبی و سیاسی اغلب سبب سوءتفاهم درباره منظور این مطالعات میگردد . ترس از اینکه فرد غریبه از طرف حکومت مأموریت دارد گزارشی درباره وضع جسمانی و سلامتی افراد جهت خدمت نظام و وظیفه تهیه کند پیدا میشود و چون عالم مردم‌شناس به ثبت کلیه خصوصیات جسمانی حتی جای زخم و خال کوبی و علائم دیگر میپردازد اغلب مورد سوءظن واقع میشود که مبادا از طرف اولیای امور مأمور پیدا کردن يك جانی باشد . و نیز چون خارجی‌ها مسیحی هستند در اغلب نقاط بخصوص در حوالی اما مزاده‌ها و قبور مقدسین مورد قبول مردم نیستند . در نتیجه با وجود پخش چند پول خرد اشتیاقی بدیدن مردم شناس وجود ندارد .

قبل از آنکه عالم و مأمور مردم شناسی با این مشکلات روبرو شود باید از طرف دولت کسب اجازه کند . قبل از حرکت از آمریکا اینجانب بوزارت خارجه آمریکا رفته و با آقای والاس مری رئیس قسمت امور خاور میانه در باره کار هیئت اکتشافی ملاقات و مذاکره کردم آقای مری بوزیر مختار آمریکا در ایران آقای ویلیام هورنی بروک نامه نوشت و ورود و منظور هیئت اعزامی موزه فیلد را باو اطلاع داد و از او خواهش کرد تسهیلاتی برای کار ما در ایران فراهم کند . آقای وزیر مختار وسیله ملاقات ما را بانختست وزیر و وزیر کشور و رئیس شهربانی فراهم کرد .

برای عکسبرداری در ایران باید از شهربانی کل کشور در طهران اجازه گرفت . این اجازه نامه حاوی عکس حامل و اجازه عکسبرداری بزبان فارسی و مهور بمهر افسر مربوطه است . و نیز برای انجام مطالعات و تحقیقات مردم شناسی و اندازه گیری اجازه مخصوص لازم بود .

علاوه بر این جوازها اجازه کتبی داده شد که اعضای هیئت اکتشافی بتوانند برای موزه فیلد نمونه های حیوان‌شناسی و گیاه شناسی جمع آوری کنند . این اجازه روی يك صفحه کاغذ تحریر گردید و عکس اینجانب بآن الصاق شد و نام اعضای هیئت در آن ذکر گردید . این سند بامضای نخست وزیر و وزیر کشور و رئیس کل شهربانی رسید . از طرف وزیر کشور نامه باستاندار و فرماندار نواحی مورد بررسی هیئت نوشته و رونوشت این نامه ها باینجانب داده شد تا شخصاً باستانداران و فرمانداران تسلیم گردد .

برای خروج از طهران مسافر باید جواز بگیرد زیرا در امتداد جاده

ها پست پلیس یا ژاندارم وجود دارد که در موقع ورود و خروج جواز مزبور بازرسی و ثبت میگردد .

پس از سه هفته کلیه اجازه نامه ها و جوازاها صادر شد و در طی دوره عملیات خود در ایران منتهای همکاری و مساعدت از همه طرف نسبت بما بعمل آمد .

هیئت اعزامی عبارت بود از ریچارد مارتین که اکنون مدیر باستانشناسی خاور نزدیک در موزه فیلداست که مأمور عکسبرداری و جمع آوری نمونه های حیوان شناسی بود و اینجناب بعلاوه آقای یوسف لازار همراه ما بود که وظایف متعدد خود را به نحو احسن انجام میداد . از اکتبر ۱۹۳۴ با اینجناب در جمع آوری نمونه ها در عراق کمک کرد و در اثر کوشش او نمونه های اضافی حیوانشناسی و گیاه شناسی برای موزه جمع آوری شده است .

کمک يك نفر که مأمور ثبت مطالب باشد بسیار مفید است . بیش از دو اندازه گیری و ثبت ارقام روی ورقه مخصوص در آن واحد مصلحت نیست زیرا از دقت و صحت ارقام کاسته میشود . و نیز اتلاف وقت برای ثبت ارقام باعث ناراحتی و بیقراری فرد مورد بررسی میشود . بعلاوه مأمور ثبت هر عدد را تکرار میکند بطوریکه شناس اشتباه تقلیل می یابد . در مسافرت ایران اینجناب خوشبختانه از کمک افراد زیر برخوردار بود دکتر جرج مایلز دروی - خانم مایرون اسمیث در یزد خواست - يك محصل آلیانس اسرائیلی در اصفهان - مستر دونالد ماکن McCown در کنار آقای سی . ی . شوکت برای لره های بغداد - ثبت مطالب را همیشه خود اینجناب انجام میدهم ولی گاهی اوقات و در بعضی موارد آنها را دیکته میکنم .

لازم است که با هر گروه کسانی که اندازه گیری میشوند يك نفر مترجم قابل باشد که در موقع لزوم به ثبت مطالب نیز پردازد . بهمین دلیل آقای شوکت در عراق کمک بزرگی بود زیرا نه تنها در مسافرتهاى سابق با من کار کرده بود بلکه زبانهای انگلیسی و عربی و ترکی و کردی و کلدی را بخوبی تکلم میکند . بعلاوه از میان هر گروه دو نفر عاقل مرد با هوش انتخاب میشوند که برای سایرین سرمشق قرار گیرند و جلب اعتماد کنند و در اندازه گیری قد و حال نشسته کمک نمایند و سن افراد و آمار مربوطه را کنترل نمایند . برای

مردم‌شناسی جسمانی ایران-۳۳۹

مثال یکی از افراد در جواب تعداد برادر زنده یا مرده جواب می‌دهد که سه برادر زنده دارد و برادر مرده ندارد. در این موقع یکی از عاقل‌مردها حرف او را قطع کرده و می‌گوید پس آن برادر جوان که پنج سال قبل مرد بحساب نمی‌آید. فرد تقریباً همیشه جواب می‌دهد آن برادر مرده است و واجد اهمیت نیست. یکی دیگر از وظایف معاوین بومی گرفتن نمونه موی افراد است. هر نمونه مو در پاکتی قرار داده میشود و مأمور ثبت سر پاکت را می‌چسباند و روی پاکت شماره فرد را می‌نویسد و روی ورقه مربوطه بهر فرد ثبت میکند که نمونه موی وی گرفته شده است. اگر نمونه خون گرفته میشود دو نفر از افراد محلی به دکتر کمک میکنند و افراد را برای این عمل جزئی حاضر میکنند. بطور خلاصه میتوان گفت که کمک افراد محلی ضروری و سودمند است.

اندازه‌گیری اجزاء بدن انسان عملی است که بوسیله آن میتوان از روی ارقام شکل بدن انسان را معین کرد. تعداد اندازه‌گیری مختلف بمنظور طبقه بندی نژادی محدود است به میل و ابتکار فرد اندازه‌گیر. مثلاً در اروپا من یک عالم مردم‌شناس را دیدم که از هر جمجمه هزار اندازه‌گیری بعمل آورده بود. در نتیجه موافقت بین المللی یک سلسله اندازه‌گیری‌های معین بعمل می‌آید تا نتایج از نظر آمار قابل مقایسه باشد. تجربه علمی بمن‌آموخته است که در خاور میانه افراد فقط تا حد معینی حاضر به اندازه‌گیری و مشاهده بدن خود هستند. بهمین جهت من با دکتر هوتن و سرارتر کیت و دکتر دادلی بکستن درباره تعداد و انتخاب اندازه‌گیری مشورت کردم و لیست ضمیمه نتیجه توافق فی مابین و حدودی است که وضع محلی اجازه میدهد. آلات و ادوات زیر که از هرمان وریکنباک در زوریخ گرفته شد مورد استفاده قرار گرفت.

(۱) یک آنتروپومتر Anthropometer برای اندازه‌گیری قد و قد در حال نشسته بکار برده شد. این آلت عبارتست از میله مدرج فلزی که پیایه فلزی وصل است و یک قطعه اقی متحرک دارد.

(۲) پرگار (Tasterzirkel) با دو شاخه مانند دایره کش که با شاخه که در کف دست قرار میگیرد بوضع مناسب درمی‌آید. انگشت سبابه انتهای فلزی پرگار را هدایت میکند و به نقطه مورد لزوم قرار میدهد که برای خواندن ارقام مناسب باشد.

(۳) پرگار (Gleitzirkel) مدرج باشاچه متحرك .

(۴) متر فولادی مدرج .

تعیین نقاطی که دوميله پرگار باید قرار گیرد از روی موافقت نامه بین-المللی مربوط بیک نواخت نمودن اندازه گیریهای بدن انسانی بطور دقیق معین شده است . این موافقت نامه در گزارش کمیسیونی که از طرف چهاردهمین کنگره بین‌المللی مردم‌شناسی و باستان‌شناسی ماقبل تاریخ در ژنو (۱۹۱۲) برای تکمیل کار سیزدهمین کنگره در منا کو (۱۹۰۶) تعیین شده بود یافت میشود . این گزارش که توسط آقای داکورت Dackworth ترجمه شده در کتاب Anthropometry (ص ۲۵ - ۳۱) تألیف A.Hrdleicka نقل شده است . در موقع بکار بردن آلات اندازه گیری نوک شاخه پرگار روی نقطه معین قرار داده میشود بدون آنکه فشاری روی پوست وارد آید بجز در مورد اندازه گیری عرض زاویه فك سفلی . موارد اختلاف عمده قابل اندازه گیری در افراد نژاد های مختلف بشر عبارتند از قد - طول بدن و شکل سر و صورت و بینی - اندازه گیریهای زیر به ثبت رسیده است .

۱ - قد - فرد بدون کفش صاف می‌ایستد و پاشنه های خود را بحالت نظامی بهم قرار میدهد میله اندازه گیری بحال عمودی قرار داده میشود . دو بازو و دست آویزان و کف دست رو بداخل و انگشت ها رو پایین و محور دید افقی است . در این حالت بلندی رأس سر از زمین اندازه گیری میشود . در موقعیکه موی سر انبوه باشد شاخه آلت اندازه گیری تا حدی که ممکن است نزدیک به پوست سر قرار داده میشود - برای اینکه از تمایل کلی بر اینکه سر خود را زیاد به عقب نگاهدارند جلوگیری بعمل آید به فرد گفته میشود که چشم خود را بعلامتی که در دیوار مقابل تقریباً محاذی چشم بدوزد . اگر فرد حاضر نشود کفش خود را در آورد ارتفاع کفش از قد کاسته میشود . در مورد افرادی که هیچگونه آشنائی با این کار ندارند این اندازه گیری بعلت اشتباهات ممکنه مشکل است . قد اشخاص قوزی یا ناقص الخلقه در معدل اندازه گیریها بحساب نیامده است .

۲ - قد نشسته - برای این اندازه گیری فرد یا روی پیت چهارگالنی بنزینی که ۲۵ سانتیمتر بلندی دارد یا روی چهار پایه یا جعبه می‌نشیند . زانوهای خم . ستون فقرات باميله اندازه گیری در ناحیه استخوان خاجسی و استخوانهای

مردم شناسی جسمانی ایران - ۳۴۱

شانه تماس دارد . محور دید افقی باقی می ماند . در این حالت رأس سر از زمین اندازه گیری میشود و بعداً ارتفاع چهار پایه یا پیت بنزین از آن کسر میشود تا ارتفاع صحیح حالت نشسته بدست آید . بهتر است يك چهار پایه یا پیت بنزین معین بکار برده شود زیرا چهار پایه های محلی اندازه های مختلف دارد و آسانتر است که همیشه يك ارتفاع معین از اندازه قد نشسته کسر شود . دقت لازم بعمل آمد که افراد روی برآمدگی ورك بنشینند و نه روی عضلات ران و نیز حالت راست بخود بگیرند و ستون فقرات در حال عادی باشد شانه ها زیاد بعقب برده نشود و جناغ سینه زیاد جلو آمده نباشد .

۳ - طول سر (از وسط پیشانی تا پشت سر) بوسیله قرار دادن يك سرپر - گار بر برجسته ترین نقطه وسط دوا برو و سردیگر پر دورترین نقطه پس سر اندازه گیری میشود . این دو نقطه در خط میانگین گرفته شده و بر هر شاخه پر گار جزئی فشار وارد میشود .

۴ - عرض سر (از گوش تا گوش) بوسیله شاخه های پر گار از عرضترین نقطه بالای استخوان پشت گوش و استخوان گونه اندازه گرفته میشود . نوک شاخه پر گار بکنار سر مختصر فشار وارد میکنند و از جلو بعقب چرخانده میشود تا حد اکثر رقم خوانده شود که معمولاً بالا و پشت نوک گوش میباشد .

۵ - حداقل قطر پیشانی بوسیله اندازه گرفتن کوتاهترین قطر افقی بین دواستخوان شقیقه روی استخوان پیشانی بدست می آید . شاخه های پر گار هر کدام با انگشت سبابه به عمیقترین قسمت انحناى خط گیجگاه بالای برآمدگی جناحی استخوان پیشانی هدایت میشود .

۶ - عرض استخوان گونه ها با قرار دادن شاخه های پر گار در سطح افقی پر دورترین نقاط سطح خارجی استخوانهای گونه بدست می آید بدون آنکه نوک پر گار فشار وارد آورد .

۷ - عرض دو زاویه فك پائین با قرار دادن شاخه های پر گار در سطح افقی بین برجسته ترین نقاط روی سطح خارجی زاویه های فك پائین بدست می آید . شاخه پر گار تا حد ممکن با استخوان تماس داده میشود و بهمین جهت فشار وارد میشود ولی نه بحدی که باعث اذیت فرد گردد . مناسب اینطور تشخیص داده شد که انگشت سبابه روی گوشه فك قرار داده شده و از فرد سؤال شود که آیا فشار

آلت دردناک است یا نه وقتی جواب میدهد حرکت گوشه فك نقطه صحیح را معین می‌کند . باید توجه کرد که عضله گوشتهی احتراز شود و خود فرد روی آن فشار نیاورد .

۸ - ارتفاع کل صورت (چانه تا بیخ بینی) با گستردن شاخه‌های پرگار از زیرترین قسمت وسط استخوان چانه تا نقطه در خط درزی که استخوان بینی با استخوان پیشانی وصل میشود اندازه گیری میشود. نقطه بیخ بینی Nasion که قرار - ترین نشانه کالبد شناسی است بوسیله لمر، کردن پیدا میشود و وقتی بدین طریق عملی نبود محل آن تخمین زده میشود زیرا معمولا بالای خط عمودی که دو بیخ چشم داخلی را بهم وصل می‌کند قرار دارد (رجوع شود به کتاب اشلی - مونتاقیو صفحه ۴۷۳-۴۷۶). سر بحد امکان در سطح فرانکفورت نگاه داشته میشود .

۹ - ارتفاع قسمت بالای صورت (بیخ بینی تا دهان) بوسیله گستردن پر- گار از استخوان بیخ بینی تا نقطه بین دو دندان پیشین جائیکه در فك بالا داخل لثه میشوند اندازه گیری میشود . اگر شاخه زیری پرگار در موقع اندازه گیری به لب یا لثه خورده باشد ضد عفونی میشود .

۱۰ - ارتفاع بینی (بیخ بینی تا استخوان بینی) با گستردن پرگار از بیخ بینی تا نقطه که پره بینی بلب بالا متصل میشود اندازه گیری میشود فشار وارد نمی‌آید . این اندازه گیری طول است و نه تصویر از این نقاط بسطح عمودی .

۱۱ - عرض بینی یا گستردن پرگار در حال افقی برای تعیین حداکثر عرض خارجی عادی پره بینی بدون هیچگونه فشار اندازه گیری میشود .

۱۲ - طول گوش - لاله گوش چپ با پرگار مدرج اندازه گیری میشود تا حد اکثر طول بدست آید. میله محاذی محور دراز گوش قرار میگیرد . اگر گوش لاله نداشته باشد نقطه اتصال پره گوش به گونه حساب میشود ، در بعضی موارد که لاله گوش بلند است بزرگترین وتر اندازه گرفته میشود .

۱۳ - عرض گوش - با اندازه گیری فاصله بین دو خط محاذی با محور بلند گوش که یکی از آنها مماس با حاشیه پیشین و دیگری مماس با حاشیه پسین پیچ گوش باشد بدست می‌آید . در مورد مشاهدات بصری جزئیات زیادی می‌توان ذکر کرد ولی پس از انتخاب دقیق حداقلی را میتوان مورد استفاده قرار داد که در جدولهای بعد و تقسیمات آنها ذکر خواهد شد .

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۳۴۳

از آنجائیکه در ایران و عراق فقط ارتش است که رقم تخمین سن افراد را دارد در این گزارش سن اشخاص به نزدیکترین واحد پنج داده میشود و بهمین دلیل سن هر گروه مورد بررسی ۲۵ و ۳۰ و ۳۵ و غیره ذکر شده است. اگر برای مثال سن شخص ۲۳ ثبت شده که خارج از گروه‌های پنج است دال بر آنست که در صحت بیان سن شخص مزبور تردیدی وجود نداشته است.

با پیروی از روش هر دلیچکا Hrdlicka (۱۹۲۰ - ص ۴۴) در تخمین زدن ارقام و اطلاعات وضع ظاهری کلی فرد مورد بررسی مورد توجه قرار میگردد و این عوامل عبارتند از: درآمدن بعضی از دندانها بخصوص دندانهای آسیا - علائم بلوغ - علائم پیری مانند موی سفید و چین صورت و خم شدن ستون فقرات - سایش و فقدان دندان - تغییرات در قوه باصره و سامعه - کلفتی انگشتان - سفیدی دور قرنیه در اشخاص مسنی که در اثر وجود سلولهای دارای چربی و کولسترول - Cholesterol ($C_{27}H_{46}OH + H_2O$) بوجود میآید. البته باید بخاطر داشت که هیچیک از عوامل مذکور بطور فردی یا جمعی نمیتواند شاخص دقیقی پیری و سن باشد زیرا در اشخاص مختلف در سنین مختلف ظاهر میشود. و حتی در یک شخص نیز عوامل پیری ممکن است بطور غیر منظم ظاهر گردد از جمله موی سفید و بعضی تغییرات دیگر در چشم و گوش ممکن است در سن جوانی پیدا شود.

بعبارت دیگر مسئله تخمین سن کمتر از پنجسال بالا و پائین باسانی میسر نیست. برای منظور آماری این تخمین کافی است زیرا افراد کمتر از هجده سال و زیاد تر از هفتاد و یک در تعیین معدل بحساب آورده نشده‌اند. بعقیده من اندازه‌گیری و مشاهده تعداد معینی افراد متجاوز از سنین هفتاد سال از نظر مردم‌شناسی قابل ارزش است و تغییرات نمو و موارد دیگر را با مقایسه این افراد و حد وسط کلی را می‌توان مورد مطالعه قرار داد. در نتیجه در مطالب اولیه اینجانب چند نفر را که سن آنها از حد معینی تجاوز میکرد گنجانیده‌ام.

اگرچه طبقات درجه بندی در جدولها تحت هر گروه ایران دیده میشود

طریقه مخصوص اینجانب در ثبت مشاهدات دیگر محتاج به توضیح است.

اختلافات شکل و نسج مو کاملاً واضح است. در مورد رنگ مو طبقه بندی

موی بور حذف شد زیرا هیچ نمونه‌ای از آن ثبت نشده بود. از لحاظ مقدار موی سر و صورت یا بدن شش تقسیم بندی در نظر گرفته شده است که میان مثلاً حد

متوسط موی صورت وریش سنگین (بعلاوه) وریش خیلی سنگین (بعلاوه دو برابر) و مقدار خیلی زیاد موی صورت (بعلاوه سه برابر) تشخیص داده شود علامت منها نشانه کمتر از حد وسط و منها دو برابر نشانه تقریباً فقدان مو است .

زیر طبقه بندی رنگ چشم فرق قائل شده ایم بین قهوه‌ای آبی و آبی قهوه‌ای زیرا دومی آبی تر و کم رنگ تر است. این مطلب درباره قهوه‌ای سبز و سبز قهوه‌ای نیز صدق میکند. طبقه بندی عنیه و سفیده چشم واضح و محتاج توضیح نیست. حلقه‌ها نوار باریک لبه خارجی مردمک چشم است که ظاهراً برنگ آبی و خاکستری هستند و نمونه ضعف چشم در اثر پیری نمیباشند .

نیمرخ بینی در هر مورد در اصل بچهار طبقه تقسیم شده بود . اصطلاح مقعر کاملاً مفهوم است . اصطلاح محدب اطلاق میشود به بینی منحنی چه انحناى آن کم یا زیاد باشد . در مشاهده بینی راست مواردی دیده شد که اگر چه بطور کلی بینی راست بنظر میرسد زیر بالا ترین نقطه پل فرو رفتگی کمی وجود دارد . این نوع بینی را میتوان راست طبقه بندی کرد ولی بنظر ما این اختلاف را باید مورد توجه قرار داد و ما این نوع بینی را تحت عنوان موجودار طبقه بندی کردیم . اصطلاح محدب مقعر اطلاق شده است بآن نوع بینی که گودی پل به نوك پهن و کوتاه ختم میشود . بطور کلی این نوع بینی محدب طبقه بندی میشود .

تقسیم بندی نوك بینی عبارت است از نازك - متوسط - کلفت (بعلاوه) - خیلی کلفت - و پيازی (بعلاوه دو برابر) .

طبقه بندی پره بینی آشکار است زیرا متشکل است از فشرده تا سوراخ بینی فراخ از نوع بینی مردم سیاه پوست .

در مورد دندان باید خاطر نشان کرد که اصطلاح under_bite اطلاق میشود به افرادی که فك پائین آنها جلو آمده است بطوریکه دندانهای پائین جلوتر از دندانهای بالا است و این مطلب بدون آنکه افراد دهان خود را باز کنند مشهود است . موارد اینگونه دندان نادر است زیرا اغلب مردم برعکس دندانهای پائین آنها جلوتر است .

فقدان دندان بطور کامل ثبت گردید و افراد بعداً به شش طبقه تقسیم شدند . در آمدن ناقص بخصوص در مورد دندان سوم آسیاب و همچنین موارد نامنظمی و روهم قرار گرفتن و لکه دار بودن مورد توجه قرار گرفت . برای اینکه این

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۴۴۵

جزئیات کتاب را مفصل نکند ارقام و اعداد مربوط باین اختلافات داده نشده ولی در پرونده‌های اینجانب موجود است .

علاوه بر وضع دندان که طبقه بندیهای آن کاملاً مفهومی است سعی کردیم درجه استعمال دندان هر فرد را نیز حساب کنیم . استعمال کم بندرت محسوس است . بعلاوه نشانه استعمال عادی و بعلاوه دو برابر نشانه استعمال زیاد و بعلاوه سه برابر نشانه از بین رفتن دندان در اثر کثرت استعمال است . هر جا که کرم خوردگی دیده شد ثبت گردید .

اگر چه در موقع بررسی افراد لخت نمیشدند معیناً نظریه کلی در مورد عضلات بدن و سلامتی عمومی ثبت شده است . موارد علامت آبله - کچلی - تب - سردرد - دل درد - تراخم - آب مروارید - سالك وغيره هر موقع مشاهده شد یا از طرف افراد گزارشی داده شده ثبت گردیده است . موارد تب و سردرد و دل درد در خاورمیانه عمومیت دارد و ماداماً با این اشکال مواجه بودیم که افراد یا مایل نبودند یا قادر نبودند به پرسشهای ما جواب دهند .

علاوه بر مطالب و اطلاعات فوق اطلاعات مربوط به حال کویبی از نظر طرح و منظور و محل حال روی بدن و جای داغ و استعمال حنا جمع آوری و ثبت گردید که برای کتاب مربوط علامت گذاری روی بدن در آسیای جنوب غربی که بعداً تهیه خواهد شد مورد استفاده قرار گیرد .

هر موقع نقص مصنوعی در استخوان جمجمه مشاهده شد در ستون ملاحظات ثبت گردید . معمولی‌ترین نوع نقص مصنوعی بوسیله گاهواره ارمنی بوجود می‌آید زیرا در اینگونه گاهواره بچه را می‌بندند و پس سر روی بالش سفت قرار داده میشود (شکل ۷ . همچنین در کتاب وان گنپ ص ۷۷ شکل ۴) اگر مادر عاقل باشد و محل گاهواره را گاه بگاه عوض کند نقصی تولید نمیشود و الا پس سر بچه صاف میشود زیرا كودك يك وضع خوابیدن را ترجیح میدهد و یا بدر بازنگاه میکند و اگر چشم او ضعیف باشد سر خود را از در بر میگرداند .

برای كملك در طبقه بندی نژادی و بدست آوردن مدارك دائمی درباره جمعیت که سرعت تغییر میکند يك سلسله کامل عکسبرداری از هر گروه تهیه شد . تصاویر این افراد با شماره هویت در آخرین گزارش به ترتیب گروه و سن داده شده است . این عمل طبق پیشنهاد دکتر آلش هر دلشکا Dr. Ales Hrdlicka انجام گرفت. اگر

خواننده بخواهد تصویر فردی را که شماره‌اش داده شده پیدا کند میتواند به فهرست تصاویر که شماره افراد به ترتیب داده شده مراجعه نماید. در بررسی خصوصیات صورت در تصویر نیمرخ باید توجه داشت که عکسی که در آن خط میانگین افقی سر نسبت به دوربین عکاسی در جهت زاویه قائمه قرار نگرفته نباید مورد استفاده قرار گیرد.

دوربینی که ریچارد مارتین بکار میبرد اگفا ۱۲×۹ سانتیمتر بود. برای اینکه سلسله عکس افراد يك نواخت در آید افراد در فاصله معینی از دوربین عکسبرداری شده اند. پشت سر آنها پارچه سفید قرار داده شد تا زمینه عکس از لحاظ رنگ خنثی باشد و وقتی عکسها بموزه رسید احتیاجی به پاک کردن و محو کردن زمینه نباشد.

در بعضی از صورت‌ها لکه مشاهده میشود که به علت لکه روی فیلم عکاسی است (مانند عکس ۷۶ - در شکل ۴). از طرف دیگر جای زخم روی گردن شماره ۳۲۹۹ (عکس ۱۰۵ - شکل ۲) بخوبی در عکس دیده میشود.

در صورت امکان نمونه خون و موی سر افراد گرفته شد و نتیجه آزمایش آنها در نشریات دیگر توسط کارشناسان منتشر خواهد شد.

بطوریکه ملاحظه میشود افراد با شماره‌ای که بلباس آنها الصاق شده عکس-برداری شدند. این شماره ۲ فقط برای استفاده در حوزه عملیات بکار رفته و هیچ گونه ارتباطی با شماره های فردی که در سراسر کتاب بکار رفته و زیر تصاویر افراد گذاشته شده ندارد.

در طی ماه اوت و سپتامبر اینجانب از ۲۹۹ نفر اندازه گیری کرد که در قسمت مربوطه خود از نظر آماری و نظریات دیگر مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول زیر گروههای کامل را قبل از حذف افرادی که بعلت صغریا کبر سن و یا نقص بدن مورد بررسی قرار نگرفتند نشان میدهد.

محل	اشخاص	تعداد افراد	گروه نهائی
اصفهان	یهودی	۹۹	۸۷
یزد خواست	دهاتی	۴۸	۴۶
کناره	دهاتی	۷۴	۷۴

مردم شناسی جسمانی ایران - ۳۴۷

پشت کوه	لر	۵۳	۵۲
ری	کارگر حفاری	۱۸	۱۴
متفرقه	مختلف	۷	۷
	جمع	۲۹۹	۲۸۰

بررسی آماری

در بررسی مطالب ارقامی يك نوع طبقه بندی اختیاری باید در نظر گرفت . مثلاً در مورد قدم مناسب آنست که به بلند و متوسط و کوتاه طبقه بندی شود . برای اینکه با سیستم آزمایشگاهی اندازه گیری ها وارد مطابقت داشته باشد تقسیم بندیهای زیر بکار رفته است .

شاخص کلی صورت	قد
پهن صورت	کوتاه
متوسط صورت	متوسط
باریک صورت	بلند

شاخص بینی	شاخص سر
بینی باریک	سردراز
بینی متوسط	سرم متوسط
بینی پهن	سر کوتاه

وقتی ارقام مربوطه طبق سیستم فوق جدول بندی گردید مناسب بنظر رسید که تقسیمات و طبقه بندی که از طرف سرارتز کیث در مقدمه گزارش اینجانب درباره عراق (ص ۱۱-۷۶) بکار رفته اضافه شود تا تناسب و درصد ارقام مربوط بایران مستقیماً با ارقام مربوط به عراق قابل مقایسه باشد . بدین جهت به منظور مقایسه جدولهای زیر اضافه شده است :

قد در حال نشسته	قد
خیلی کوتاه	کوتاه
کوتاه	متوسط

۳۳۸- مرهمشناسی ایران

متوسط	۸۴۹-۸۰۰	بلند	۱۷۹۹-۱۷۰۰
بلند	۸۹۹-۸۵۰	خیلی بلند	۱۸۰۰-X
خیلی بلند	X-۹۰۰		

اندازه سر

عرض سر

کوچک	۱۳۰۰ cc یا کمتر	خیلی باریک	۱۲۹-۱۲۰
متوسط	۱۴۴۹-۱۳۰۱	باریک	۱۳۹-۱۳۰
بزرگ	۱۴۵۰ بیابا	پهن	۱۴۹-۱۴۰
		خیلی پهن	X-۱۵۰

شاخص سر

خیلی سردراز	X-۷۰
سردراز	۷۵-۷۰/۱
سر متوسط	۷۹/۹-۷۵/۱
سر کوتاه	۸۴/۹-۸۰
خیلی سر کوتاه	X-۸۵

عرض استخوان گونه

حد اقل قطر پیشانی

باریک	X-۱۲۴	خیلی باریک	X-۹۹
متوسط	۱۳۴-۱۲۵	باریک	۱۰۹-۱۰۰
عریض	X-۱۳۵	پهن	۱۱۹-۱۱۰
		خیلی پهن	X-۱۲۰

طول قسمت علیای صورت

طول کل صورت

کوتاه	X-۶۳	کوتاه	X-۱۰۹
نسبة کوتاه	۶۹-۶۴	نسبة کوتاه	۱۱۹-۱۱۰
نسبة دراز	۷۵-۷۰	نسبة دراز	۱۲۹-۱۲۰
دراز	X-۷۶	دراز	X-۱۳۰

عرض بینی

ارتفاع بینی

خیلی باریک	X-۲۹	کوتاه	X-۴۹
------------	------	-------	------

مردم‌شناسی جسمانی ایران - ۳۴۹

باريك متوسط	۳۵-۳۰	متوسط	۵۹-۵۰
پهن متوسط	۴۱-۳۶	دراز	x-۶۰
پهن	x-۴۲		

یهودیهای ایران

قبل از بررسی دقیق گروه یهودیهائیکه در اصفهان اندازه گیری و مطالعه شده اند لازم است که شرحی از کتاب کرزن (a ۱۸۹۲ - جلد اول ص ۵۱۰ - ۵۱۱) درباره جمعیت یهودی و سازمان اجتماعی آنان در ایران در اینجا نقل گردد. د پنج سال پیش (یعنی در سال ۱۸۸۷) تعداد یهودیهای ایران بطور حدس ۱۹ هزار نفر تخمین زده میشد ولی من متمایل باین عقیده هستم که این تعداد کمتر از جمعیت حقیقی یهودیان است. در واقع جدولی در اختیار من قرار داده شده است که در آن تعداد آنها ۶۵ هزار نفر ذکر گردیده ولی این رقم نیز مبالغه آمیز بنظر میرسد. مراکز عمده اقامت یهودیان عبارتست از طهران (۴۰۰۰) همدان (۲۰۰۰) اصفهان (۳۷۰۰) شیراز (۳۰۰۰) و ارومیه و مشهد و کاشان و ساوه و کرمانشاه و بوشهر.

یهودیان ایران در فقر و جهالت بسر میبرند. از خود مدرسه ندارند بجز کنیسه که در آن فقط تکرار ادعیه آموخته میشود که اغلب معنی آنرا نمی فهمند. بجز در طهران و همدان و کاشان و خوانسار و گلپایگان فقط عبری یاد داده میشود و نه فارسی . . .

در تمام ممالک مسلمان مشرق زمین این قوم بدبخت مورد زجر و آزار واقع میشوند و عادت بآنان و سایر مردم دنیا چنین آموخته است که سرفروختن آنان اینست. معمولاً در محله جدا زندگی میکنند و از زمان قدیم مجبور به لباس و عادات و شغل مخصوص بوده اند که آنها را منفور جامعه و سایر ابناء بشر نمایانده است. اکثر یهودیان ایران اشتغال دارند به تجارت جواهر و شراب و ساختن تریاک و موسیقی ورقاصی و سپوری و دوره گردی و مشاغلی که زیاد مورد احترام مردم نیست. خیلی بندرت در امور تجارت و بازرگانی مقام عمده بدست میآورند. در اصفهان که تعداد آنها در حدود ۳۷۰۰ نفر است و از سایر نقاط ایران با آنها بهتر رفتار میشود و مقام نسبتاً بهتری دارند بآنها اجازه داده شده است کلاه ایرانی

بسر گذارند و در بازار دکان داشته باشند و دیوارخانه آنان به بلندی دیوار همسایه مسلمان باشد و در خیابانها سواره حرکت کنند . تعداد آنها در طهران و کاشان نیز زیاد است و وضع نسبتاً بهتری دارند. در شیراز وضع آنها خیلی بد است . در یوشهر کار آنها خوب است و مورد آزار واقع نمیشوند . ولی بمحض اینکه موج تعصب در هر نقطه ایران یا سایر نقاط بر خیزد یهودیها اولین کسانی هستند که مورد زجر و شکنجه قرار میگیرند .

الکساندر کشیش اهل رودز Rhodes در ۱۶۵۹ چنین نوشت : یهودیها را مجبور میکردند علناً قول دهند که اگر قبل از سی سال دیگر مسیح آنها طبق ادعیه و اذکار روزانه ظاهر نشود همه آنها بزمذهب اسلام بگردند . . . این قول انجام گرفت . . . پادشاه از راه لطف برای اینکه یهودیها فرمان را اطاعت کنند بهر مرد یهودی سی غروش و بهر زن پانزده غروش اتمام داد .

دائرة المعارف یهود (نیویورک - ۱۹۰۵) مینویسد : بطور کافی نشان داده شده است که در ایران از زمان باستان یهودیها سکونت داشتند^۱ و تاریخ یهود در بسیاری جهات با ایران بستگی دارد. اشارات تورات به اماکنی مانند راجس (اوستا Rhagha فارسی قدیم Rhaga) و اکباتانی (فارسی قدیم Hagmatana فارسی جدید همدان) و شوش برای اثبات این موضوع دلائل دیگری میباشد . وجود اسرائیلیها در ایران ممکن است در اصل در اثر اخراج از ممالک دیگر و استثمار و تصرف نواحی و علل سیاسی بوده باشد ولی کسب و تجارت نیز در این امر سهم بزرگی داشته است .

یهودیهای اصفهان

در اصفهان يك محله یهودی بزرگی است که طبق روایات در حدود ۲۵۰۰ سال قبل تأسیس شد از آنجائیکه یهودیهای کهدر عراق مورد مطالعه قرار دادیم بسیار جالب توجه بودند تصمیم گرفتیم بررسی اندازه گیری مردم شناسی را با يك عده ساکنین محله یهودیهای اصفهان آغاز کنیم .

۱- در دربار ایران خواجه های یهودی متعدد وجود داشت . نحمیا Nehemia اگر خواجه نبود نمیتوانست ساقی اردشیر باشد (Neh II . 6) همچنین در حضور ملکه پیشخدمتی پادشاه را میکرد (استر IV ۸-۶)